

جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۴۰۴، دوره ۸، شماره ۳، صص ۶۲۰-۶۵۱
تحلیل ابعاد تک جنسیتی فضاهای شهری با تاکید بر بانوان سبزوار
(نمونه موردی بلوار صنعت سبزوار)

نیما کریمی نسب^۱، هادی سلیمانی مقدم^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه حکیم سبزواری.

۲- استادیار دانشکده جغرافیا و علوم محیطی دانشگاه حکیم سبزواری h.soleymani@hsu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

چکیده

در دهه‌های اخیر، رویکردهای نوین برنامه‌ریزی شهری بر توجه به نیازهای گروه‌های اجتماعی خاص، به‌ویژه زنان، در طراحی و سازماندهی فضاهای شهری تأکید دارند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل ابعاد تک‌جنسیتی فضاهای شهری از منظر بانوان در بلوار صنعت سبزوار انجام شده است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر داده‌های میدانی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای با ۵۵ گویه در قالب ۱۱ شاخص شامل امنیت، طراحی کالبدی، تنوع عملکردی، مبلمان شهری، حمل‌ونقل، دسترسی پذیری، حضورپذیری، سرزندگی، مدیریت شهری، مشارکت و فرهنگ، و بهداشت محیط بوده است. روایی سازه پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) تأیید شد و مقدار KMO برابر با ۰,۹۰۳ و آزمون بارتلت معنادار ($Sig=0.000$) بود که کفایت نمونه‌گیری و امکان تحلیل عاملی را نشان داد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که ۱۱ عامل استخراج شده، در مجموع ۶۶,۵ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. همچنین، آزمون T تک‌نمونه‌ای نشان داد که کیفیت فضای مورد مطالعه در اکثر شاخص‌ها از دیدگاه زنان در سطح مطلوبی قرار ندارد. بر این اساس، یافته‌ها بیانگر ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری‌های شهری با رویکرد جنسیت‌محور و افزایش مشارکت زنان در طراحی فضاهای عمومی است.

واژگان کلیدی: فضاهای تک‌جنسیتی، زنان، کیفیت فضا، برنامه‌ریزی شهری.

۱. مقدمه

در دنیای امروز و در زمینه شهر و زندگی شهری، اگر قصد داریم به الگویی دست یابیم که تداوم حضور گروه‌های مختلف اجتماعی را در فضاهای شهری تضمین کند، شناخت مخاطبان و نیازهای آنان امری اجتناب‌ناپذیر است. در این میان، زنان یکی از گروه‌هایی هستند که نیازشان به حضور در عرصه‌های عمومی شهر و برقراری تعاملات اجتماعی، نسبت به سایر گروه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است (رهنما و همکاران ۱۳۹۷؛ پیر بابایی و همکاران ۱۳۹۷؛ زمانی و مقصودی ۲۰۱۸؛ بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷؛ احمدی و اسدی ۱۳۹۶؛ حسینی و صالحی ۲۰۲۱؛ ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷؛ دانشوری نسب ۱۴۰۰؛ شریعتی مزینانی و فروغ زادع ۱۳۹۶؛ بهیان و همکاران ۱۳۹۸؛ کلانتری و همکاران ۱۳۹۶؛ زعیمدار ۱۳۹۵؛ زمانه دارانی و مقصودی ۲۰۱۸؛ پیر کار و عزیز ۱۴۰۲؛ صمدی و همکاران ۱۳۹۸؛ دانایی‌فر و همکاران ۲۰۲۲؛ گارجیولو^۱ و همکاران ۲۰۲۰؛ لک^۲ ۲۰۱۷). با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت فعال شهری را تشکیل می‌دهند و در هر دو عرصه خصوصی و عمومی، نقش کلیدی در پرورش کودکان، مراقبت از سالمندان و انجام امور روزمره ایفا می‌کنند، نمی‌توان نیازهای آن‌ها را برابر با دیگر گروه‌ها، به‌ویژه مردان، در استفاده از فضاهای شهری و مشارکت در تعاملات اجتماعی دانست. یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، در نظر گرفتن نیازهای زنان مشابه مردان و تفسیر نادرست عدالت جنسیتی به‌عنوان برابری کامل است (پور حسین روشن و همکاران ۱۳۹۸؛ آراسته و همکاران ۱۳۹۹؛ اسدپور و همکاران ۱۳۹۹؛ زعیمدار ۱۳۹۵؛ بخشنده زحمتی و همکاران ۱۳۹۸؛ احمدی و اسدی ۱۳۹۷؛ اسدی محل چالی و همکاران ۱۳۹۷). به همین دلیل، طی دهه‌های اخیر، پیوند میان جنسیت و برنامه‌ریزی شهری به یکی از گفتمان‌های اصلی این حوزه تبدیل شده و رویکردها و روش‌هایی منسجم برای اجرای برنامه‌ریزی حساس به جنسیت در فضاهای شهری تدوین گردیده است. نادیده گرفتن نیازهای خاص زنان و تفاوت‌های آن‌ها در برنامه‌ریزی، ریشه اصلی ضعف‌های موجود در توجه به جایگاه زنان در ساختار شهر است (ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷؛ دانشوری نسب ۱۴۰۰؛ شریعتی مزینانی و فروغ زادع ۱۳۹۶؛ بهیان و همکاران ۱۳۹۸؛ اسدپور و همکاران ۱۳۹۹؛ شبانی و همکاران ۱۳۹۳؛ رهنما و همکاران ۱۳۹۷). اتخاذ دیدگاه‌های جنسیتی در فرآیند برنامه‌ریزی شهری، موجب شکل‌گیری پروژه‌هایی با عنوان «برنامه‌ریزی جنسیتی» یا «برنامه‌ریزی حساس به جنسیت» شده است (مقصودی و همکاران ۱۳۹۷؛ گنجی و همکاران ۱۳۹۳؛ کلانتری و شهپری ۱۳۹۶؛ بخشنده و همکاران ۱۳۹۶؛ دانشوری نسب ۱۴۰۰؛ احمدی و اسدی ۱۳۹۶؛ ماجدی و سیادتی ۱۳۹۴؛ زمانی و مقصودی ۲۰۱۸؛ بیبی جان^۳ ۲۰۱۷). در این نوع برنامه‌ریزی، تمام مراحل، از طرح‌ریزی تا اجرا، بر اساس تحلیل

 1- Gargiulo

2- lack

3- Beebejaun

جنبه‌های جنسیتی انجام می‌شود (بهیان و همکاران ۱۳۹۸؛ کلانتری و همکاران ۱۳۹۶؛ زعیمدار ۱۳۹۵؛ زمانه دارانی و مقصودی ۲۰۱۸؛ پیر کار و عزیزی ۱۴۰۲؛ یاراحمدی و تیرانداز ۱۳۹۲؛ بیبی جان ۲۰۱۷). این فرآیند به الگوهای مختلف استفاده از فضا توسط هر دو جنس و سایر گروه‌های اجتماعی توجه داشته و موجب ارتقای درک افراد از محیط پیرامون خود می‌گردد. در کشورهای اروپایی و کانادا، پروژه‌های شهری مبتنی بر این رویکرد، با موفقیت اجرا شده و موجب افزایش رضایت و آسایش زنان در استفاده از فضاهای شهری شده‌اند. یکی از انتقادهای جدی که از سوی حامیان عدالت اجتماعی و کیفیت محیطی به برنامه‌ریزی شهری وارد شده، "عدم درک دشواری‌های ایجاد برابری و تحقق عدالت فضایی در محیطی است که عمدتاً با دیدگاهی مردانه شکل گرفته است". به نظر می‌رسد، نیل به شهری زیباتر، انسانی‌تر و امن‌تر مستلزم بازنگری در سیاست‌های شهری با تأکید بر نقش مؤلفه‌های جنسیتی و ارزش‌های زنانه در حوزه‌هایی مانند مسکن، حمل‌ونقل، مراکز فعالیت و فضاهای فراغت است. در این راستا، وظیفه برنامه‌ریزان و مدیران شهری آن است که به ضرورت در نظر گرفتن ابعاد جنسیتی در طراحی و برنامه‌ریزی شهری توجه کرده، عوامل مؤثر در تحقق عدالت جنسیتی را شناسایی و تحلیل کرده و در نهایت، سیاست‌ها و راهکارهایی جهت هماهنگ‌سازی فضاهای شهری با نیازهای زنان ارائه نمایند (بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷؛ احمدی و اسدی ۱۳۹۶؛ حسینی و صالحی ۲۰۲۱؛ ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷؛ دانشوری نسب ۱۴۰۰؛ شریعتی مزینانی و فروغ زاده ۱۳۹۶؛ بهیان و همکاران ۱۳۹۸؛ کلانتری و همکاران ۱۳۹۶؛ زعیمدار ۱۳۹۵).

۲. چهارچوب نظری

۱.۲. جنسیت و جنس

جنسیت مفهومی است اجتماعی که شامل رفتارها، کنش‌ها و باورهایی می‌شود که فرهنگ غالب هر جامعه به دو جنس زن و مرد نسبت می‌دهد. بنابراین، جنسیت مفهومی متمایز از واژه "جنس" است که بیشتر برای اشاره به تفاوت‌های زیست‌شناختی به کار می‌رود. به عبارت دیگر، تفاوت‌های جنسیتی به تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان و مردان مربوط است، در حالی که تفاوت‌های جنسی، بیانگر تفاوت‌های بیولوژیکی میان آن‌هاست (کاظمی ۱۳۸۸؛ اسدپور و همکاران ۱۳۹۹؛ شبانی و همکاران ۱۳۹۳؛ رهنما و همکاران ۱۳۹۷). بسیاری از نظریه‌هایی که به حمایت از حقوق زنان پرداخته‌اند، لااقل در یک نقطه اشتراک دارند و آن این است که جنسیت، جزئی از ساختار جامعه است و در تمام جوامع به اشکال مختلف حضور دارد. این نظریات تأکید دارند که روابط جنسیتی همواره متأثر از سلطه یا تصویر ذهنی یکی از جنس‌ها بر دیگری است (فرهمندیان ۱۳۸۷؛ کلانتری و همکاران ۱۳۹۶؛ زعیمدار ۱۳۹۵؛ زمانه دارانی و مقصودی ۲۰۱۸؛ پیر کار و عزیزی ۱۴۰۲؛ صمدی و همکاران ۱۳۹۸؛ دانایی‌فر و همکاران ۲۰۲۲). در این زمینه،

کلیشه‌های جنسیتی در خصوص هر دو جنس در جامعه قابل مشاهده است، که محدوده انتظارات از زنان و مردان را شکل داده و تعریف می‌کند. از این منظر، جنسیت یک سازه اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌شود (کاظمی ۱۳۸۸؛ کلانتری و همکاران ۱۳۹۶؛ زعیمدار ۱۳۹۵؛ زمانه دارانی و مقصودی ۲۰۱۸؛ پیر کار و عزیزی ۱۴۰۲؛ صمدی و همکاران ۱۳۹۸؛ دانایی‌فر و همکاران ۲۰۲۲؛ شبانی و همکاران ۱۳۹۳). تفاوت‌های جنسیتی را نمی‌توان تنها به تفاوت‌های زیستی میان زن و مرد فروکاست؛ بلکه این تفاوت‌ها ناشی از فرآیندهای تاریخی، فرهنگی و گفتمان‌های بین‌المللی بوده و حاصل جامعه‌پذیری اجتماعی تلقی می‌شوند (اکبری و تاجدار ۱۳۸۷؛ کلانتری و همکاران ۱۳۹۶؛ زمانه دارانی و مقصودی ۲۰۱۸؛ پیر کار و عزیزی ۱۴۰۲؛ صمدی و همکاران ۱۳۹۸؛ دانایی‌فر و همکاران ۲۰۲۲). جنسیت عمدتاً در دو بستر مورد بررسی قرار می‌گیرد: نخست در سطح نظری و انتزاعی، و دوم در بسترهای کاربردی که با پروژه‌ها و برنامه‌ریزی‌های عملی مرتبط است. بر پایه مطالعات صورت‌گرفته درباره بهبود کیفیت زندگی محروم‌ترین اقشار شهرهای بزرگ جهان، زنان بیش از دیگر گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیرند؛ آن‌ها نقش اصلی را در تأمین نیازهای اولیه کودکان و سالمندان ایفا می‌کنند، در تحولات اقتصادی کنش‌گرانی مهم و در فعالیتهای سازمان‌های غیردولتی و مخالفت با جهانی‌سازی نیز فعال و مؤثرند. با این حال، اگر برابری اجتماعی را به‌معنای فراهم‌سازی فرصت زندگی، انتخاب و رضایت بر پایه تفاوت‌های فردی در نظر بگیریم، زنان همچنان از حضور برابر با مردان در عرصه‌های اجتماعی محروم‌اند. برای تحقق این برابری، جامعه باید با شناخت تفاوت‌ها در نیازها، موقعیت‌ها و اهداف افراد، موانع موجود را برطرف کرده و زمینه مشارکت برابر زنان را در اجتماع فراهم سازد (تمدن ۱۳۸۷؛ صمدی و همکاران ۱۳۹۸؛ دانایی‌فر و همکاران ۲۰۲۲؛ غلامحسینی ۱۳۹۳؛ پیر بابایی و مقصودی ۱۳۹۷؛ ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷؛ گنجی و همکاران ۱۳۹۳؛ حسینی و صالحی ۲۰۲۱؛ فاضلی و همکاران ۱۳۹۳؛ گلی و همکاران ۱۳۹۴؛ سکا تو ۲۰۱۷).

۲.۲. برنامه ریزی و عدالت جنسیتی

برنامه‌ریزی جنسیتی به‌عنوان بخشی از فرآیند کلان برنامه‌ریزی، به بررسی و تحلیل افرادی می‌پردازد که به نحوی در این فرآیند درگیر یا متأثر از آن هستند؛ همچنین ساختارهایی که از نظر نیازهای فضایی، منابع و صلاحیت‌ها درگیرند، مدنظر قرار می‌گیرند. این نوع برنامه‌ریزی با در نظر گرفتن الگوهای متفاوت تصرف و استفاده از فضا توسط هر دو جنس و سایر گروه‌های اجتماعی، به ارتقای درک افراد از محیط پیرامونی‌شان کمک می‌کند (ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷؛ دانشوری‌نسب ۱۴۰۰؛ شریعتی مزینانی و فروغ‌زادع ۱۳۹۶؛ بهیان و همکاران ۱۳۹۸؛ کلانتری و همکاران ۱۳۹۶؛ زعیمدار ۱۳۹۵؛ بیگ‌بابایی و توفیقی ۱۳۹۷؛ احمدی و اسدی ۱۳۹۶؛ حسینی و صالحی ۲۰۲۱؛ حقیقتیان و همکاران ۱۳۹۸؛ گلکار ۱۳۸۶). تطبیق بین کار و زندگی خانوادگی، افزایش احساس امنیت فردی، و

1- Ceccato

سازماندهی انواع استفاده از فضا از ارکان اصلی برنامه‌ریزی جنسیتی به شمار می‌آیند. گرچه هدف اصلی، تعمیم رویکرد جنسیتی در تمام سطوح سیاست‌گذاری است، برنامه‌ریزی جنسیتی عمدتاً به طراحی و سازماندهی نظام‌مند امور مرتبط است. به بیان دیگر، تمامی مراحل برنامه‌ریزی از ایده تا اجرا باید از منظر جنسیتی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. یکی از چالش‌های مهم در این زمینه، نبود استانداردهای مشخص برای اجرای مؤثر برنامه‌ریزی حساس به جنسیت است. ارزیابی‌های جنسیتی رایج عمدتاً به مفاهیم اولیه بسنده می‌کنند و از بهره‌گیری از ابزارهای متنوع و روش‌های جامع ارزیابی باز می‌مانند. بنابراین، وجود یک چارچوب ارزیابی یکپارچه برای تحلیل این مفهوم پیچیده در بستر توسعه شهری ضروری است. از دغدغه‌های اصلی در طراحی فضاهای عمومی شهری، دستیابی به فضایی جمعی و پویا است که بتواند میان اقصای مختلف اجتماعی تعادلی پایدار در مشارکت و فعالیت‌های شهری ایجاد کند. اسپاین بر این نکته تأکید دارد که روابط متقابل میان فضاهای جنسیتی و فعالیت‌های روزمره، در شکل‌گیری فضاهای جنسیتی مؤثر است. به عبارتی، فعالیت‌هایی که در فضای عمومی صورت می‌گیرند، بازتابی از توزیع جنسیتی در عرصه‌های دیگر زندگی اجتماعی هستند (بیگ‌بابایی و توفیقی ۱۳۹۷؛ احمدی و اسدی ۱۳۹۶؛ کاظمی ۱۳۸۸؛ گنجی و همکاران ۱۳۹۳). در این میان، هویت جنسیتی زنان و مردان باید نه بر اساس الگوی برابری مطلق، بلکه مبتنی بر عدالت در ایفای نقش‌ها تعریف شود. در جامعه‌ای که عدالت جنسیتی جایگزین تساوی جنسیتی می‌گردد، افراد بر اساس توانایی‌ها و ویژگی‌های خود نقش‌آفرینی می‌کنند. برای مثال، اگر مردان قادر به انجام کارهای سنگین فیزیکی هستند، نباید زنان با توان جسمی متفاوت به همان کارها گماشته شوند؛ در مقابل، زنانی که دارای مهارت در امور دقیق و حساس هستند، باید فرصت اشتغال متناسب با توانمندی‌شان را داشته باشند. در چنین ساختاری، نادیده گرفتن نیازهای اقتصادی زنان یا فقدان حمایت مالی مردان از خانواده‌ها در جوامعی که زنان مسئول تأمین مالی هستند، نوعی بی‌عدالتی است. شعار برابری جنسیتی، هرچند توانمندی زنان در ایفای نقش‌های اجتماعی را نشان داده، اما به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی پیچیدگی نیازهای زنان باشد. برابری سطحی ممکن است منافع واقعی زنان را نادیده بگیرد و در عمل به نفع ساختارهای مردسالارانه تمام شود. در مقابل، عدالت جنسیتی مفهومی جامع‌تر است که بر تخصیص عادلانه فرصت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد، به گونه‌ای که هیچ‌کدام از دو جنس مورد ظلم و اجحاف قرار نگیرند (رهنما و همکاران ۱۳۹۷؛ رضازاده و محمدی ۱۳۸۸؛ ملک‌حسینی و همکاران ۱۳۹۷؛ رودگر ۱۳۸۸؛ شبانی و همکاران ۱۳۹۳؛ خستو و رضوانی ۱۳۸۹؛ رشاد و شامقلی ۱۳۹۲؛ شریعتی و همکاران ۱۳۹۶؛ دانشوری‌نسب ۱۴۰۰؛ مارشال^۱ ۱۹۹۸؛ هانکوک^۲ و همکاران ۲۰۱۷؛ دونوسو^۳ ۲۰۱۶).

^۱- Marshal

^۲- Hancock

^۳- Donoso

۳.۲. فضای شهری

مفهوم فضای شهری و رای فضای باز و رها شده بین ساختمان‌های شهری است؛ به این معنا که فضای شهری تنها یک هویت و پدیده کالبدی نیست، بلکه فضایی است عملکردی که فرصت ارتباط و تعامل میان شهروندان را فراهم می‌آورد (احمدی و اسدی، ۱۳۹۶؛ پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۷؛ رستمی و همکاران، ۲۰۲۲؛ آراسته و همکاران، ۱۳۹۹؛ رهنما و همکاران، ۱۳۹۷؛ اسدپور و همکاران، ۱۳۹۹؛ دانشوری‌نسب، ۱۴۰۰؛ شریعتی مزینانی و فروغ‌زاده، ۱۳۹۶؛ فاضلی، ۱۳۹۴؛ علیخواه و شفیعی، ۱۳۹۳؛ گلی و همکاران، ۱۳۹۴؛ لینچ^۱؛ ۱۹۸۱؛ جیکویز^۲؛ ۲۰۰۷؛ اپلبارد^۳؛ ۱۹۸۱؛ کوسکلا^۴ و پین^۵؛ ۱۹۹۷؛ دونوسو، ۲۰۱۶؛ لک، ۲۰۱۷؛ چن^۶ و فنستر^۷؛ ۲۰۱۶). این فضاها در طیف وسیعی شکل می‌گیرند، از میدان‌ها و خیابان‌ها گرفته تا حتی یک پله ساده. فضای شهری بخشی از فضای باز عمومی شهرها است که بستر زندگی جمعی را فراهم می‌آورد. ویژگی‌های مطلوب فضای شهری به شدت تحت تأثیر نحوه فعالیت و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان آن قرار دارد (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۷؛ رشاد و شامقلی، ۱۳۹۲؛ خستو و رضوانی، ۱۳۸۹؛ گلکار، ۱۳۸۶؛ گنجی و همکاران، ۱۳۹۳). فضای شهری تنها در ابعاد هندسی یا معماری قابل تحلیل نیست، زیرا کیفیت‌های زیبایی‌شناختی، سهولت ارتباطات اجتماعی و مقیاس انسانی هستند که به یک فضا ماهیت شهری می‌بخشند (نورانی، ۱۳۹۱). این فضاها، از ارکان اصلی ساختارهای شهری محسوب می‌شوند و نقشی حیاتی در توسعه اجتماعی شهرها دارند. آن‌ها ظرف فعالیت‌های شهری، ارزش‌های فرهنگی و ضرورت‌های اجتماعی محسوب می‌گردند (اسدپور و همکاران، ۱۳۹۹؛ دانشوری‌نسب، ۱۴۰۰؛ شریعتی مزینانی و فروغ‌زاده، ۱۳۹۶؛ فاضلی، ۱۳۹۴؛ علیخواه و شفیعی، ۱۳۹۳؛ گلی و همکاران، ۱۳۹۴؛ شکیبایی و رفیعیان، ۱۳۹۲؛ بهیان و همکاران، ۱۳۹۸؛ رهنما و همکاران، ۱۳۹۷؛ پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۷). فضای عمومی شامل تمامی خیابان‌ها، میدان‌ها، مسیرهای عبور، فضاهای باز و پارک‌ها، نواحی روستایی و حومه، و حتی فضاهای نیمه‌خصوصی مانند مراکز خرید و ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی است که دسترسی عمومی ولو کنترل‌شده دارند (رستمی و همکاران، ۲۰۲۲؛ آراسته و همکاران، ۱۳۹۹؛ رهنما و همکاران، ۱۳۹۷؛ کارمونا^۸ و همکاران، ۱۳۹۶). فضاهای عمومی همچنین محل شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع انسانی هستند. یان گل، فعالیت‌های فضای عمومی را به سه دسته تقسیم می‌کند: فعالیت‌های ضروری مانند رفت‌وآمد روزانه، فعالیت‌های اختیاری مانند پیاده‌روی تفریحی، و فعالیت‌های اجتماعی که بر پایه تعامل خودجوش

¹-Lynch

²-Jacobs

³-Appleyard

⁴-Koskela

⁵-Pain

⁶-Chen

⁷-Fenster

⁸-Carmona

افراد شکل می‌گیرند. حضور موفق فضای شهری زمانی محقق می‌شود که امکان انجام دو دسته اخیر نیز در آن فراهم شود (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۷؛ اسدیپور و همکاران، ۱۳۹۹؛ دانشوری‌نسب، ۱۴۰۰). از نظر کوان، فضای عمومی باید در تمام زمان‌ها برای همگان در دسترس باشد. کاترین شانفیلد نیز تأکید می‌کند که مکان‌هایی که زمان عمومی در آن‌ها می‌گذرد، باید عمومی تلقی شوند (حبیبی و شجاعی، ۱۳۹۴). کیفیت کالبدی فضاهای عمومی به‌ویژه برای گروه‌هایی مانند سالمندان، افراد دارای معلولیت یا والدینی با کالسکه اهمیت ویژه دارد، چرا که کوچک‌ترین موانع می‌تواند منجر به طرد آن‌ها از فضا شود (ماجدی و سیادتی، ۱۳۹۴؛ علیزاده، ۱۳۹۹؛ زعیمدار، ۱۳۹۵؛ چن و فنستر، ۲۰۱۶). زنان نیز در فضای عمومی با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و فرصت‌ها مواجه‌اند. اصول مراقبتی حاکم بر رفتار آن‌ها، هم مانع و هم امکان برای تجربه فضا فراهم می‌کند. این اصول معمولاً ناظر بر مراقبت از دیگران است و در بسیاری مواقع به شکل‌گیری محدودیت‌هایی منجر می‌شود که حضور زنان را در فضا محدود می‌کند؛ از جمله اینکه چه زمانی، با چه کسی و برای چه مدتی بتوانند در فضای عمومی حضور یابند (حبیبی و شجاعی، ۱۳۹۴؛ احمدی کلیچی و اسدی، ۱۳۹۶؛ پیرکار و عزیزی، ۱۴۰۲؛ صمدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶). این محدودیت‌ها بر تجربه، معنا، مشارکت و حتی ترجیح زنان نسبت به فضاهای عمومی تأثیر می‌گذارند.

۴.۲. جنسیت و فضای شهر

فضا، در بیان نخست، مفهوم ادراک آگاهانه محیط توسط انسان را در خود دارد که تأثیرگذاری فعالیت‌های انسانی آن را از حالت توده به فضا تبدیل کرده است (پیربابایی و همکاران ۱۳۹۷، رستمی و همکاران ۲۰۲۲، آراسته و همکاران ۱۳۹۹، رهنما و همکاران ۱۳۹۷، اسدیپور و همکاران ۱۳۹۹، دانشوری‌نسب ۱۴۰۰، شریعتی مزینانی و فروغ‌زاده ۱۳۹۶، فاضلی ۱۳۹۴، علیخواه و شفیععی ۱۳۹۳، گلی و همکاران ۱۳۹۴). فضاهای عمومی هر جامعه‌ای یکی از بارزترین عرصه‌های تجلی هویت، فرهنگ و تمدن آن جامعه می‌باشد که همانند پلی دنیای کوچک شهری، خرده فرهنگ‌ها، گروه‌های متفاوت قومی، نژادی و جنسیتی را بهم متصل می‌کند تعاریف فضای عمومی بر دسترسی بدون محدودیت به فضا و فعالیت‌های متنوع تأکید می‌کند که قابل ذکرترینشان تعامل اجتماعی است که در نتیجه این دسترسی محدود نشده در آن روی می‌دهد (کلانتری و همکاران ۱۳۹۶، زعیمدار ۱۳۹۵، بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷، احمدی و اسدی ۱۳۹۶، حسینی و صالحی ۲۰۲۱، حقیقتیان و همکاران ۱۳۹۸، گلکار ۱۳۸۶، مدنی پور، ۱۳۷۹). یکی از نیازهای بسیار مهم هر انسان نیاز به برقراری رابطه با دیگران است. این نیاز زمینه‌ساز حضور انسان‌ها در فضا می‌شود. جان لنگ در این ارتباط دو دلیل عمده را بیان می‌کند: روابط متقابل اجتماعی از آن سو لازم است که احساس تعلق و دوست داشته شدن را در افراد ایجاد می‌کند. لذا فضاهایی که اینگونه ارتباطات را فراهم می‌سازند فضاهایی مطلوب محسوب می‌شوند. از طرف دیگر در حمایت از این نظریه، نیومن بیان می‌کند که در جاهایی در حد مناطق کوچک که میزان روابط انسانی زیاد است، میزان جنایت و جرائم کم می‌شود. زیرا تعهدات اجتماعی

بالاست و توجه مردم به یکدیگر زیاد است و امکان منزوی شدن افراد وجود ندارد. لذا یک فضای خوب باید به نیازهای ارتباطی شهروندان پاسخگو باشد (پیربابایی و همکاران ۱۳۹۷، رستمی و همکاران ۲۰۲۲، آراسته و همکاران ۱۳۹۹، رهنما و همکاران ۱۳۹۷، اسدپور و همکاران ۱۳۹۹، دانشوری نسب ۱۴۰۰، شریعتی مزینانی و فروغ زاده ۱۳۹۶، فاضلی ۱۳۹۴، علیخواه و شفیعی ۱۳۹۳، گلی و همکاران ۱۳۹۴، رضازاده، ۱۳۸۸، کلاتری و همکاران ۱۳۹۶، زعیمدار ۱۳۹۵، بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷، احمدی و اسدی ۱۳۹۶، حسینی و صالحی ۲۰۲۱، حقیقتیان و همکاران ۱۳۹۸، گلکار ۱۳۸۶). در خلال فرآیند اجتماعی شدن افراد می آموزند که نحوه خاصی از رفتارها زنانه و نحوه دیگری مردانه، تلقی می شود. به همین ترتیب ممکن است که ورود زنان و مردان به علت زنانه و مردانه تلقی شدن، به برخی از عرصه ها محدود و یا تشویق شود، به نحوی که برخی اماکن به عنوان زنانه و برخی دیگر مردانه شناخته شوند (، غلامحسینی ۱۳۹۳، اسدی محل چالی و همکاران ۱۳۹۷، ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷، گنجی و همکاران ۱۳۹۳، علیرضا نژاد و همکاران، ۱۳۸۶، باقری ۲۰۱۳، شبانی و همکاران ۱۳۹۳، اسدپور و همکاران ۱۳۹۹، جانسون^۱ و مایلز^۲ ۲۰۱۴، مکسفیلد^۳ ۱۹۸۰). در شرایط سنتی برای حضور زنان در اجتماعات مختلف، محدودیت هایی اعمال می شود که به نوعی فضاها را به زنانه و مردانه تقسیم می کند. به عبارت دیگر حتی در فضاهای مشترک، حوزه های زنانه و مردانه قابل مشاهده است. بدین ترتیب زنان و مردان در این فضاها کمترین ارتباط را با یکدیگر دارند و ماهیت روابط زنان عمدتاً زنانه و در بین خودشان است. در شرایط سنتی نیز آنان معمولاً در فاصله بین فضاهای خانگی زنانه در حرکت بودند. به عبارت دیگر آنان در اماکنی حاضر می شدند که زنان دیگر حضور داشتند. آنان عرصه ای ویژه و خاص خود داشتند که مردان را بدان راهی نبود و در عین حال آنان به فضاهای مردانه دسترسی نداشتند. زن سنتی به شکلی که در رویکرد تاریخی مشاهده شد، هم اکنون در دسترس نیست، زیرا جدایی کامل جنسیتی که در پیشینه تاریخی مشاهده شده و حتی فضاهای خانگی را به طور کلی در بر می گرفت، هم اکنون مطرح نیست (رستمی و همکاران ۲۰۲۲، آراسته و همکاران ۱۳۹۹، علیرضا نژاد و همکاران، ۱۳۸۶، ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷، گنجی و همکاران ۱۳۹۳، شبانی و همکاران ۱۳۹۳، اسدپور و همکاران ۱۳۹۹). از آنجا که زندگی روزمره مردان و زنان در این فضاها رخ می دهد، مناسب بودن این فضاها برای استفاده تمام گروه ها موضوع بسیار مهمی است. اما تجربه استفاده از فضاهای عمومی، برای استفاده کنندگان مختلف با توجه به سن، جنس، طبقه اجتماعی و ... متفاوت بوده و در نوع زندگی و درک آن مؤثر است. به عبارتی نیاز به حضور در فضا برای همه گروه ها و ایجاد امکانات حضور همه گروه های استفاده کننده فارغ از جنسیت، سن، سطح درآمد، شغل و سایر موارد امری است که ضرورت آن به اثبات رسیده است و اخیراً موضوع تحقیقات مختلفی قرار گرفته است. در این میان، زنان گروه بزرگی

1- Johnson

2- Miles

3- Maxfield

از استفاده کنندگان فضا هستند. نکته قابل توجه آنکه آنان بواسطه نقش اجتماعی مراقبت از کودکان، کهنسالان و بیماران در ارتباط با فضای باز شهری نیازهای خاصی دارند که باید مورد توجه قرار گیرد (گلی و همکاران ۱۳۹۴، رضازاده، ۱۳۸۸، کلانتری و همکاران ۱۳۹۶، زعیمدار ۱۳۹۵، بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷، احمدی و اسدی ۱۳۹۶، حسینی و صالحی ۲۰۲۱، حقیقتیان و همکاران ۱۳۹۸، گلکار ۱۳۸۶). در رویکرد نظام مند به نظام ها و پدیده های اجتماعی، رابطه بین اجزاء در هر نظام اجتماعی متقابل است و پدیده ها به طور متقابل و متداوم با یکدیگر در حال کنش و واکنش اند. بنابراین، فضا و جنسیت نیز در این نظام اجتماعی تأثیرات دوطرفه ای بر یکدیگر می گذارند. یک سوی این ارتباط در بازتاب های فضایی جنسیت بیان می شد. سوی دیگر آن را باید در نقش فعال فضا در تولید و بازتولید اجتماعی جست؛ فضا در اجتماع تولید می شود، اما در عین حال خود نیز شرطی برای تولید اجتماعی است. در واقع، فضا همان گونه که ساختار جنسیت را بازتاب می دهد، خود نیز عاملی فعال در فرایند شکل گیری این ساختار است. فضا سازمان اجتماعی را منعکس می کند، اما هنگامی که فضا محصور شد و شکل گرفت، فقط یک زمینه خنثی نخواهد بود. فضا نیز تأثیرات خود را اعمال خواهد کرد. فضا متناسب با ساختارهای اجتماعی شکل می گیرد تا بتواند آن ساختارها را محقق ساخته و در باز تولید آن ها فعالانه شرکت کند. فرایند رشد و اجتماعی شدن انسان ها در فضاها شکل می گیرد. این فضاها با شکل مناسب خود، که نتیجه بازتاب متناسب ارزش ها و باورها و نظام های اجتماعی است، فرایند اجتماعی شدن را سهولت می بخشند و به طور مؤثری در این فرایند شرکت می کنند. در واقع باید گفت در ارتباط متقابل میان فضا و ساختار جنسیت، در حالی که ساختار جنسیت در فضا مادیت می یابد، فضا نیز در نحوه تحقق ارتباطات جنسیتی و بازتولید آن نقش مؤثر دارد. (پیربابایی و همکاران ۱۳۹۷، رستمی و همکاران ۲۰۲۲، آراسته و همکاران ۱۳۹۹، رهنما و همکاران ۱۳۹۷، اسد پور و همکاران ۱۳۹۹، دانشوری نسب ۱۴۰۰، شریعتی مزینانی و فروغ زاده ۱۳۹۶).

۵.۲. استفاده بانوان از فضاهای شهری

زنان در فضاهای شهری نیازمند آسودگی خاطر و احساس آرامش هستند و فضاهای شهری در شهرهای بزرگ اگرچه بسیار جذاب و و انگیزنده اند ولی در عین حال سرشار از غریبگی، ناامنی و هراس هستند. به همین دلیل فضاهای شهری، اغلب آن جاذبه ای که برای مردان دارند برای زنان ندارند. چرا که برای آنان با آسایش و امنیت کافی همراه نیست (زعیم دار ۱۳۹۵، غلامحسینی ۱۳۹۳، احمدی و اسدی ۱۳۹۶، رفعت جاه و همکاران ۱۳۹۲، دارایی ۱۳۹۳، بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷، پیرکار و عزیزی ۱۴۰۲، صمدی و همکاران ۱۳۹۸، حسینی و صالحی ۲۰۲۱، ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷، شارع پور و همکاران ۱۳۹۲، دانشوری نسب ۱۴۰۰، شریعتی و همکاران ۱۳۹۶، بخشنده زحمتی و همکاران ۱۳۹۸، کلانتری و همکاران ۱۳۹۶، احمدی و همکاران ۱۳۹۶، دونوسو ۲۰۱۶)

، کسکلا و پین ۲۰۰۰ ، سکاتو ۲۰۱۷ ، لک ۲۰۱۷ ، تاندوگان^۱ و ایلهان^۲ ۲۰۱۶ ، گارجیلو و همکاران ۲۰۲۰) به همین دلیل بسیاری از نویسندگان فمینیست ضد شهر هستند. بنابراین از جمله گروه های محروم در جوامع، زنان هستند. محرومیت زنان از حقوق و امکانات برابر با دیگران ناشی از تفکیک های جنسیتی منشعب از ارزش های مردسالاری و پدرسالاری حاکم بر جامعه است. از جمله این محرومیت ها سهم کم زنان در بازار کار، دستمزدهای پایین تر در شرایط کار برابر با مردان، کار خانگی بدون دستمزد و وابستگی اقتصادی به مردان، سهم کمتر از حقوق مدنی و تصمیم گیری های کلان و سمت های کلیدی و... است. همان طور که گفته شد این محرومیت ابعاد گسترده ای دارد؛ اما آنچه که محرومیت از آن مسأله مقاله پیش رو است، امکانات عمومی فضای شهری است که براساس حقوق شهروندی باید شرایط استفاده از آن برای یکایک شهروندان برابر باشد. برابری در حضور در اجتماع به معنای ایجاد امکان زندگی، انتخاب و رضایتمندی از فضای شهری و معماری برای تمام افراد جامعه اعم مردان، زنان، کودکان، سالمندان، معلولان و... با توجه به تفاوت ها و نیازهای آنان می باشد. در حال حاضر زنان به عنوان نیمی از جامعه از امکان حضور و استفاده برابر در اجتماع محروم اند. برای تامین این برابری و ایجاد عدالت، باید با درک تفاوت در نیازهای افراد، موانع محدود کننده استفاده از فضاهای شهری شناسایی و رفع شده و به بانوان امکان حضور و مشارکت اجتماعی برابر داده شود. در دنیای امروزی، زنان و مردان فضاهای شهری را به صورت های متفاوتی تجربه می کنند و زنان بطور یکسان با مردان از این فضاها بهره مند نمی شوند. اگر چه این فضاها بر اساس قانون به روی همه باز هستند، در موارد بسیاری، زنان توسط پیغام های پنهانی که دریافت می کنند، در می یابند که اجازه ورود به برخی فضاها را ندارند. این قبیل ملاحظات بر چگونگی بهره مندی زنان از فضاها تاثیر می گذارد. اما با مداخلات فیزیکی و اجتماعی بصورت موازی می توان جو و محیط عمومی فضاهای شهری را تحت تأثیر قرار داد و میزان بهره مندی زنان از این فضاها و درک آنها از محیط پیرامونشان را ارتقاء بخشید و امکان حضور آنان را در این فضاها فراهم کرد (ضابطیان و همکاران ۱۳۸۷ ، غلامحسینی ۱۳۹۳ ، احمدی و اسدی ۱۳۹۶ ، رفعت جاه و همکاران ۱۳۹۲ ، دارایی ۱۳۹۳ ، بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷ ، پیرکار و عزیزی ۱۴۰۲ ، صمدی و همکاران ۱۳۹۸ ، حسینی و صالحی ۲۰۲۱ ، ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷ ، شارع پور و همکاران ۱۳۹۲ ، دانشوری نسب ۱۴۰۰). فضاهای شهری به عنوان بستر زندگی و فعالیت افراد باید بتوانند با توجه با شباهت ها و تفاوت های میان گروه های جنسی، سنی و اجتماعی، محیطی امن، سالم، پایدار و جذاب را برای همه فراهم کنند و به نیازهای تمامی اقشار اجتماعی پاسخ مناسب بدهند. این فضاها باید تسهیلات مورد نیاز تمامی افراد را به گونه ای تامین کنند که از نقطه نظر کالبدی و حسی با خصوصیات تمامی بهره برداران سازگار و برای آنها قابل استفاده باشد (تمدن، ۱۳۸۷ ، احمدی و اسدی

^۱- Tandogan

^۲- Ilhan

۱۳۹۶ ، بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷ ، پیرکار و عزیزی ۱۴۰۲ ، صمدی و همکاران ۱۳۹۸ ، حسینی و صالحی ۲۰۲۱ ، ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷ ، دانشوری نسب ۱۴۰۰). توجه به نیازهای زنان در برنامه ریزی و طراحی فضاهای شهری منجر به رسمیت شناختن و دعوت آنان به حضور در این فضاهاست که امکان مشارکت برابر همه گروه های اجتماعی را می دهد. زنان، خصوصیات بیولوژیک، مسئولیت ها و نگاه متفاوتی در مقایسه با مردان دارند که در نوع ارتباط آنها با فضا تاثیر می گذارد. آنها تسهیلات خاصی را از فضا انتظار دارند که با خصوصیات جنسی و نیازهای عاطفی و روحیاتشان متناسب باشد و زندگی روزمره و فعالیت هایشان را تسهیل کند؛ در این حال انسانی که مرجع برنامه ریزی و تنظیم استانداردهای فضایی قرار می گیرد از نظر جنسیتی مرد است. به این ترتیب نیازهای پایه متبلور در استانداردها و ابعاد فضایی پاسخگوی تمام نیازهای زنان نیست و همین خود بر نوع ارتباط و بهره برداری آنها از فضا تاثیر می گذارد (زعیم دار ۱۳۹۵ ، غلامحسینی ۱۳۹۳ ، احمدی و اسدی ۱۳۹۶ ، رفعت جاه و همکاران ۱۳۹۲ ، دارابی ۱۳۹۳ ، بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷ ، پیرکار و عزیزی ۱۴۰۲ ، صمدی و همکاران ۱۳۹۸ ، حسینی و صالحی ۲۰۲۱ ، ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷ ، شارع پور و همکاران ۱۳۹۲ ، تمدن، ۱۳۸۷) استفاده از فضاهای عمومی برای تمامی افراد یکسان نیست، متغیرهایی نظیر سن، جنس، گروههای اجتماعی و اقلیتهای قومی و نژادی بر چگونگی درک زندگی شهری اثر گذارند. آنچه به عنوان یک اصل پایه مورد قبول همگان است، اینست که همه شهروندان بایستی در دسترسی و استفاده از فضاها دارای فرصت ها و شرایط برابر باشند. اما از نظر تاریخی بنا به دلایل بیشمار، مردان بر روی بسیاری از روش های مطالعات شهری و معماری و کیفیت فضاهای عمومی اثرگذار بوده اند. به عبارتی معماری و برنامه ریزی شهری، حرفه هایی مردانه و مردسالارانه بوده و فضاهای شهری و معماری که حاصل فعالیت این دو حرفه است نیز فارغ از مسائل جنسیتی است.

۶.۲. عوامل محدود کننده بانوان در فضاهای شهری

عوامل متعددی زنان را در فضاهای شهری محدود می کنند، عوامل کالبدی و طراحی فضاها و هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی از این دست عوامل هستند. قلمروهای متفاوتی که برای زنان و مردان متصور می شد، و در عین حال ساخت شهرها که بوسیله مردان صورت می گرفت و بدین ترتیب نیازهای مرد متوسط را مورد توجه قرار می داد به خلق فضاهای جنسیتی منجر شد. « آن چه که کارپ، استن و یولز» ماهیت جنسی شده فضای شهری می نامند را می توان در نحوه ی عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک پذیری زنان مشاهده کرد، که این محدودیت را به لحاظ فیزیکی با الفا الگوهای حرکت و رفتار بر پایه ترس و دسترسی محدود شده اعمال و به لحاظ اجتماعی با انگاره هایی درباره نقش زنان در جامعه شهری عنوان می کند (مدنی پور ۱۳۷۹ ، بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷ ، پیرکار و عزیزی ۱۴۰۲ ، صمدی و همکاران ۱۳۹۸ ، حسینی و صالحی ۲۰۲۱ ، ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷ ، شارع پور

و همکاران ۱۳۹۲، دانشوری نسب ۱۴۰۰، شریعتی و همکاران ۱۳۹۶، بخشنده زحمتی و همکاران ۱۳۹۸، کلانتری و همکاران ۱۳۹۶، احمدی و همکاران ۱۳۹۶، دونوسو ۲۰۱۶، کسکلا و پین ۲۰۰۰، سکتاتو ۲۰۱۷، لک ۲۰۱۷، تاندوگان و ایلهان ۲۰۱۶، گارجیلو و همکاران ۲۰۲۰). کریستن دی تعریف خود از محدودیت بیان نموده است که محدودیت ها شامل عواملی می شوند که میان فعالیت های زنان در فضاهای عمومی و تجارب آن ها از یک طرف و رضایت استفاده از فضاهای عمومی شامل لذت، ترجیح، مشارکت و معنا از طرف دیگر فاصله می اندازد. در بررسی تحقیقات موجود محیط - رفتار، کریستن دی بسیاری از محدودیت های مؤثر بر استفاده زنان از فضاهای عمومی شهری را مستند نموده است. دی معتقد است محدودیت ها شامل منابع محدود مانند پول و تحرک، احساسات بازدارنده مانند ترس و استرس، مسئولیت های بازدارنده و سنگین مانند کار در منزل و نگهداری از کودکان و هم چنین موقعیت ها و هنجارهای مؤثر اجتماعی مانند اصول و هنجارهای محدود کننده جنسی و یا طراحی و برنامه ریزی غیر حساس به موضوع است. البته این محدودیت ها ممکن است با توجه به زمان و مکانی که زنان از فضاهای عمومی استفاده می کنند و یا مدت زمان استفاده و رفتار و تجارب آنها در طول زمان استفاده از فضا متفاوت باشد. آزادی زنان در شهر به روش های متعددی محدود می شود، که موانعی را بر سر تحرک و جنب و جوش آن ها در شهر پدید می آورد. محدودیت ساختاری حاصل از گسترش مناطق حومه شهری زنان را وادار می کند از مراکز فعالیت به دور بمانند و فرصت هایشان کاهش یابد، به ویژه به دلیل وابستگی شدیدی که زنان به وسایل حمل و نقل عمومی دارند. جدا شدن خانه از کار، در فرآیند صنعتی شدن و به حومه راندن زندگی شهری هر روز بیشتر از پیش زنان را از تحرک اجتماعی و مکانی باز می دارد. حومه های برنامه ریزی شده و نوسهرهای قرن بیستم که خانوارهایی را که هر روز فزون تر می شود را در خود جای داده است، موانعی مکانی برای زنان پدید آورده است، مخصوصاً زنان طبقه متوسط که بنا به فرض باید خانه دار باقی بمانند. به هر حال خدمت بزرگ به کیفیت زندگی شهری اغلب اوقات به درستی شناخته نشده است و از آنجا که به شکل کار مزد پرداختی نبوده است کاری نامشهود باقی مانده است. بدین ترتیب موارد متعددی در قالب های فیزیکی، اجتماعی، روانی، مکانی و... آزادی حرکت و حضور زنان در فضاهای شهری را محدود می نماید (مدنی پور ۱۳۷۹، بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷، پیرکار و عزیزی ۱۴۰۲، صمدی و همکاران ۱۳۹۸، حسینی و صالحی ۲۰۲۱، ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷، شارع پور و همکاران ۱۳۹۲، دانشوری نسب ۱۴۰۰، شریعتی و همکاران ۱۳۹۶، بخشنده زحمتی و همکاران ۱۳۹۸، کلانتری و همکاران ۱۳۹۶، احمدی و همکاران ۱۳۹۶، دانایی فر و همکاران ۲۰۲۲، دونوسو ۲۰۱۶، کسکلا و پین ۲۰۰۰، سکتاتو ۲۰۱۷، لک ۲۰۱۷، تاندوگان و ایلهان ۲۰۱۶، گارجیلو و همکاران ۲۰۲۰) یکی دیگر از عوامل محدود کننده زنان، دسترسی نامناسب در شهر، به فضاهای شهری است. زنان هم به عنوان خرید و فعالیت های اجباری و هم برای ملاقات های اجتماعی و فعالیت های داوطلبانه بیشترین استفاده کنندگان از مراکز شهری اند. با این حال عمده تاکید در طراحی این مناطق بر

پارکینگ اتومبیل است تا وسایل نقلیه عمومی یا مراکز نگهداری از کودکان، زمین بازی و... که برای زنان مسائل بزرگی هستند. در میان عوامل محدودکننده زنان برای حضور در فضای شهری، موارد دیگری مانند زمان محدود، هنجارهای اجتماعی، فرهنگی، ناامنی، استرس، تنش و... نیز بر محدودیت های زنان تاثیر می گذارند. (زعیم دار ۱۳۹۵، غلامحسینی ۱۳۹۳، احمدی و اسدی ۱۳۹۶، رفعت جاه و همکاران ۱۳۹۲، دارایی ۱۳۹۳، بیگ بابایی و توفیقی ۱۳۹۷، پیرکار و عزیزی ۱۴۰۲، صمدی و همکاران ۱۳۹۸، حسینی و صالحی ۲۰۲۱، ملک حسینی و همکاران ۱۳۹۷، جانسون و مایلز ۲۰۱۴، بویل^۱ و همکاران ۲۰۰۴، سكاتو ۲۰۱۷، ونگ^۲ و شاو^۳ ۲۰۰۸).

۳. پیشینه پژوهش

در خصوص حضور زنان در فضاهای عمومی شهر و تحقق عدالت برای آنها در راستای استفاده از فرصت ها، منابع و امکانات شهری و همچنین ایجاد شرایط لازم جهت افزایش مشارکت زنان در شهر تحقیق و پژوهش های مختلف در سراسر دنیا و حتی در ایران صورت گرفته است که در ادامه به آن پرداخته شده.

مجتبی آراسته، محمدحسین پورحسن زاده، رضا علیزاده (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان "مطلوبیت سنجی امنیت فضاهای عمومی شهری جهت حضورپذیری زنان شهر شیراز" پی بردند که: به منظور ارتقاء حس امنیت زنان در فضاهای شهری شیراز از چند راهبرد کلان همچون طراحی محیطی امنیت محور، افزایش خوانایی فضایی و تامین روشنایی مطلوب فضاهای شهری بهره برد.

رضا صمدی، براتعلی خاکپور، محمدرحیم رهنما، امید علی خوارزمی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان "برنامه ریزی و آمایش راهبردهای تحقق شهر شبانه در کلانشهر مشهد با تأکید بر شاخص های سرزندگی شهری" به این نتیجه رسیدند که: ۱- آمایش و بهبود ارتقاء زیرساخت های موجود در جهت ایجاد خدمات شهری ۲۴ ساعته، ۲- طراحی مناسب فضاهای شهری جهت ایجاد شهر ایمن در تمام ساعات شبانه روز به ویژه در محدوده مرکزی شهر ۳- نورپردازی مناسب و هدفمند به همراه تزئین اماکن و مسیرهای پیاده روی جهت حضور شبانه زائرین و مجاورین به عنوان اولویتهای اصلی جهت تحقق شهر شبانه در کلانشهر مشهد می باشند.

حمید پورحسین روشن، محمد رضا پورجعفر، حمیدرضا صارمی (۱۳۹۸) در پژوهش خود تحت عنوان "تبیین و بازتولید قدرت های مؤثر بر افزایش کیفیت حضور پذیری بانوان با رویکرد ایرانی-اسلامی" به این امر پی بردند که: هشت مؤلفه ی ناظر کل، احترام به فضا، قلمرو ذهنی پنهان فضا، ترس از انجام خطا، امید به تشویق، بعد آموزش محور فضا و محرمیت به عنوان قدرت های مؤثر بر افزایش حضور پذیری زنان مؤثرند.

¹-Boyle

²-Wong

³-Shaw

مسعود اسدی محل چالی، دکتر محمدتقی پیربابایی، منیژه مقصودی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان " تبیین فرهنگ جنسیتی فضا در گذرهای شهر اسلامی ایرانی " به این نتیجه رسیدند که : فضاهای عمومی به طور عام شاهد برقراری سه نوع ارتباط کلی میان جنسیت و فضا است، این ارتباطات شامل ارتباط مردان با فضا - ارتباط زنان با فضا و ارتباط مردان و زنان با فضا میباشد. این ارتباطات فضایی تبیین کننده سه نوع فضای متمایز مردانه، زنانه و مختلط بوده و برقراری تعادل در شکلگیری این قبیل فضاها عمده ترین مسئله‌ای است که به نظر میرسد در فضاهای عمومی شهرهای اسلامی معاصر و به خصوص گذرهای آن قابل تامل و بازبینی است، مطلوب ترین شاخص از نظر مردان حس قدرت است و از نظر زنان خاطرات می باشد.

بشیر بیگ بابایی، بهزاد توفیقی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان " فضاهای شهری و نابرابری های جنسیتی در تعاملات اجتماعی " به این نتیجه رسیدند که : باید با ایجاد مراکز آموزشی به دنبال راه هایی برای سازماندهی محله ها و بین محله ای و در کل برای تمام شهر بود، در واقع باید به شهروندان فرصت داد تا در توسعه محله ها و شهرها مشارکت فعال داشته باشند. در نظریه مدیریت مشارکتی شهرها چنانچه زنان نه تنها با مشارکت فعالانه بلکه با ایفای نقش محوری خود در این عرصه حضور یابند توسعه شهری طولانی مدت، جامع تر و پایدارتر خواهد بود.

عباس ملک حسینی، مهدیه روستایی، فاطمه گنجه (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان " بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر امنیت اجتماعی زنان در شهر ملایر " مشخص کردند که: حفظ حیات شبانه، ایجاد موانع فیزیکی در عرض خیابانها، ایجاد فضای سبز، بالا بردن سطح بهداشت، مشارکت شهروندان و فرهنگ سازی و برگزاری کلاس های ارتقاء فرهنگ شهری باعث ایجاد امنیت و ارتقاء سطح رفاه اجتماعی میشود

گارجیولو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان " ارزیابی ادراک ایمنی زنان در یک کریدور مسیر شهری " به این نتیجه رسیدند که: عوامل و شاخصهای فضایی موثر بر ادراک ایمنی زنان شامل دید، تراکم پوشش گیاهی، روشنایی و نوع کاربری زمین، میباشد که بر اساس آنها و بکارگیری سیستم اطلاعات جغرافیایی، نقشه ادراک ایمنی زنان در این کریدور را ترسیم کردند؛ این نقشه حوزه هایی را شناسایی کرد که شایسته توجه تصمیم گیرندگان برای توسعه استراتژی های جهت معکوس کردن نابرابری جنسیتی در استفاده فضا هستند.

بی بی جان (۲۰۱۷) در مقاله خود با عنوان " جنسیت، فضای شهری و حق زندگی روزمره " روشن کرد که: بحث حق به شهر و حق زندگی روزمره را از حقوق اساسی زنان می داند که باید توسط برنامه ریزان شهری مورد توجه قرار گیرد.

لک (۲۰۱۷) در پژوهش خود با نام " محله شما چقدر امن است " به این نتیجه دست یافت که: ایمنی و امنیت به عنوان نیازهای اساسی انسان و حقوق اساسی شناخته می شود. زنان که یکی از آسیب پذیرترین گروه ها هستند، نیاز

به ایمنی بیشتر و امنیت در محله‌ها دارند. نتایج نشان داد که درک زنان از امنیت در محله با سه عامل اصلی، ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های محلی و خصوصیات محیطی ساخته شده است.

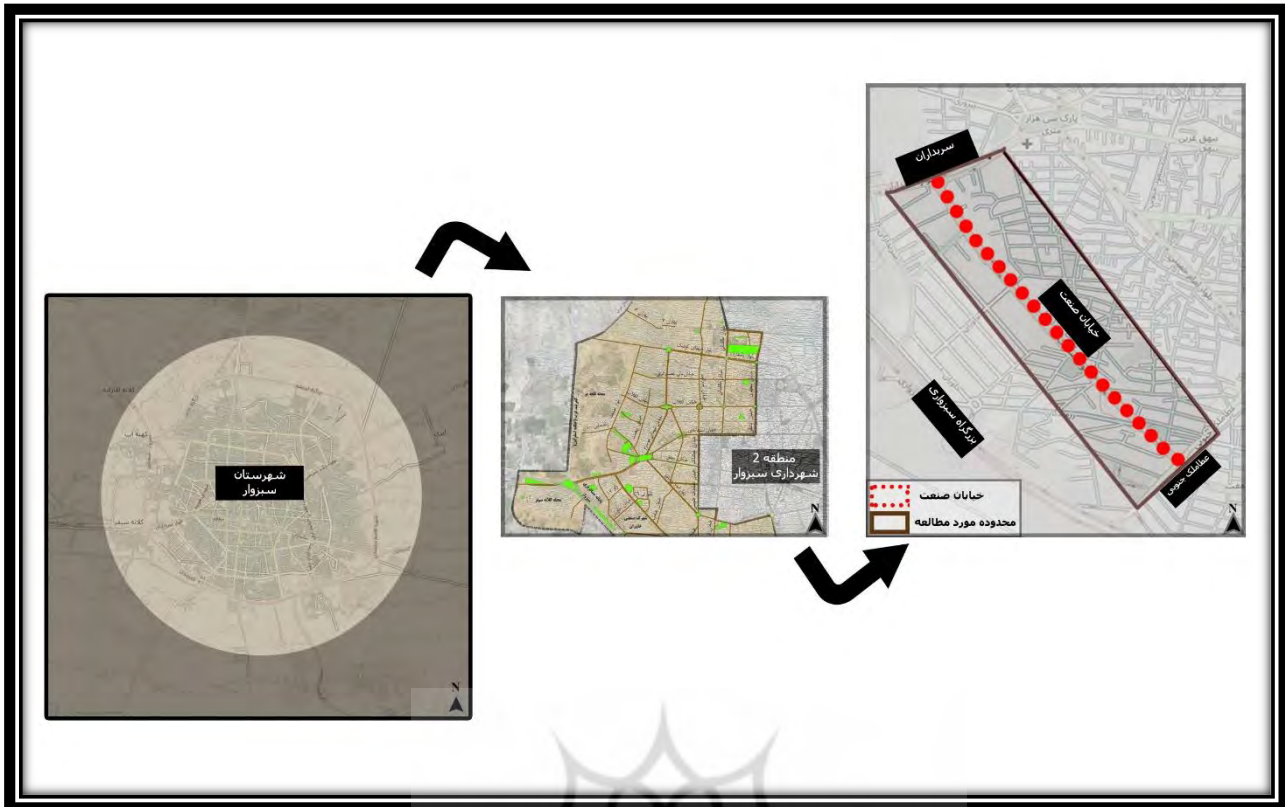
تاندوگان و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله خود با عنوان "ترس از جرم در فضاهای عمومی" به این نتیجه رسیدند که: ترس زنان از جرم و جنایت در فضای شهری زندگی آنها را محدود کرده و بر رفتارشان تاثیر میگذارد و منجر به کاهش مشارکت آنان در عرصه‌های عمومی می‌شود.

بر اساس آنچه که تا کنون از نتایج پژوهش‌های پیشین به دست آمده مشاهده می‌شود که در اکثر آنها شاخص‌ها و معیارهای روشن و واضحی برای افزایش مشارکت زنان در فضای شهر و بالا بردن رفاه حال آنها در شهر و فضای آن وجود دارد که در هر پژوهش بنا بر ماهیت آن به برخی از آنها پرداخته شده و در یک دسته بندی کلی میتوان گفت که ابعاد مختلف جهت دست یابی به حضور موثر و فعال زنان در شهر، بر مولفه‌های محیطی و اجتماعی و کالبدی پایبند است. در این مقاله سعی شده تک جنبیتی بودن فضای عمومی شهر با بررسی ابعاد مختلف کالبدی و اجتماعی و محیطی به صورت یکپارچه و در کنار هم، در یکی از خیابان‌های شهر سبزوار (بلوارصنعت) به طور دقیق و کامل بررسی شود.

۴. روش و ابزار پژوهش

۴.۱. محدوده مورد مطالعه

بلوار صنعت به طول ۱,۱ کیلومتر واقع در منطقه ۲ شهرداری سبزوار با وسعتی معادل ۳۵۴۴ هکتار و جمعیتی در حدود دو هزار نفر می‌باشد و به محله‌های ناوی و فاطمیه در امتداد شرق و غرب خود ختم می‌شود. این بلوار از شمال به خیابان سربداران و از جنوب به بلوار هفت تیر محدود شده و هدف از راه اندازی آن بهبود دسترسی، کاهش بار ترافیکی در این منطقه و محرومیت زدایی از مناطق حاشیه نشین شهر سبزوار است. این منطقه دارای فعالیت‌های کارگاهی، صنعتی، مسکونی و تعاونی مسافری است و جداره اصلی بلوار با فعالیت‌های کارگاهی و تجاری نظیر کارگاه‌های تولید صنایع و لوازم ساختمانی، آهن فروشی، ضایعات و تراشکاری، مکانیکی و لوازم یدکی پر شده است.



تصویر شماره ۱: معرفی محدوده مورد مطالعه در شهر سبزوار

۲.۴. جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری از نظر فضایی-مکانی بلوار صنعت واقع در منطقه ۲ شهرداری سبزوار می‌باشد. روش نمونه‌گیری برای انتخاب پاسخگویان از بین بانوان ساکن و شاغل در محله با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی انجام شده است. با توجه به اینکه در اینجا جامعه آماری عبارتست از جمعیت بانوانی که روزانه به منظوره‌های مختلف در محدوده مورد مطالعه حضور می‌یابند و تعداد آنها را نمی‌توان به دقت پیش‌بینی و تعیین کرد، برای تعیین حجم نمونه از فرمول زیر استفاده شده است که حجم جامعه آماری در آن نامعلوم (نامحدود) است (مومنی، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

$$n = \left(\frac{Z_{\alpha/2} \times \sigma}{\varepsilon} \right)^2$$

در این فرمول، Z مقدار احتمال نرمال استاندارد است که بر اساس جدول احتمال‌های نرمال استاندارد استخراج می‌شود که با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵٪ (سطح خطای ۰/۰۵) برابر با ۱,۹۶ بدست می‌آید. نماد σ انحراف معیار که با توجه به اینکه داده‌ها در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت رتبه‌بندی شده‌اند، از رابطه زیر بدست آمده است (همان: ۲۱۸):

$$= \frac{5-1}{6} = 0.667\delta = \frac{\max(x)-\min(x)}{6}$$

نماد δ دقت مورد نظر است که در اینجا ۰/۱ در نظر گرفته شده است. در نهایت بر اساس فرمول مطرح شده ۱۷۱ پرسشنامه می‌بایست مورد استفاده قرار بگیرد ولی برای بالا رفتن دقت در سنجش این تعداد به ۲۰۰ پرسشنامه افزایش یافت.

۴. یافته های پژوهش

برای بررسی پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و نتایج به دست آمده در جدول ۱ ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود مقدار آلفا برای تمامی شاخص‌ها بالاتر از ۰,۷ بوده که نشان دهنده پایایی مناسب پرسشنامه می‌باشد. در ادامه از آزمون T تک‌نمونه‌ای در نرم افزار SPSS با هدف سنجش معنادار بودن تفاوت میانگین پاسخ‌ها با مقدار میانه طیف لیکرت (عدد ۳) انجام شد. در این آزمون، چنانچه سطح معناداری (Si g. ۲-tailed) کمتر از ۰,۰۵ و میانگین تفاوت (Mean Difference) به صورت مثبت باشد، آن شاخص در وضعیت مطلوب قرار دارد؛ و در صورت منفی بودن تفاوت میانگین، شاخص در وضعیت نامطلوب تلقی می‌شود. بنابراین، مقادیر میانگین بیشتر از ۳ نشان‌دهنده ارزیابی مثبت و مطلوب شاخص مربوطه، و مقادیر کمتر از ۳ بیانگر ارزیابی منفی و وضعیت نامطلوب آن شاخص محسوب می‌شود.

نتایج آزمون T برای پنج گویه نخست که شاخص ایمنی و امنیت را پوشش می‌دادند، حاکی از آن بود که چهار گویه دارای میانگینی بالاتر از مقدار متوسط و از نظر آماری معنادار بودند ($Si\ g < 0.001$)، اما یکی از گویه‌ها با میانگین منفی و تفاوت قابل توجه، وضعیت ضعیف‌تری را نشان می‌داد. این امر بیانگر آن است که گرچه فضا از نظر برخی مؤلفه‌های ایمنی مانند روشنایی شبانه، حضور نگهبان یا نظارت رسمی مطلوب ارزیابی شده، اما یک بُعد از امنیت که ممکن است به احساس امنیت روانی، احتمال مزاحمت‌های اجتماعی یا ناامنی ادراک‌شده توسط زنان مربوط باشد، در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. این نکته می‌تواند از نظر سیاست‌گذاری امنیتی برای زنان در فضاهای شهری قابل تأمل باشد.

تحلیل گویه‌های مربوط به طراحی کالبدی فضای شهری نشان داد که اکثریت آن‌ها دارای میانگینی پایین‌تر از حد متوسط بودند. تنها یک گویه در این شاخص اندکی بالاتر از ۳ ارزیابی شد. این نتایج دلالت بر آن دارد که طراحی فیزیکی و ساختاری فضای مورد مطالعه نتوانسته انتظارات بانوان را از منظر زیبایی‌شناسی، تناسب ابعاد، خوانایی، و دسترسی بصری تأمین کند. به بیان دیگر، فضاهای شهری از نظر کیفیت معماری و تناسب فیزیکی با نیازهای زنان دچار ضعف‌های بنیادینی هستند. تمام گویه‌های مرتبط با این شاخص، معنادار و دارای میانگین‌هایی به مراتب کمتر از عدد ۳ بودند. این نتایج حاکی از فقر تنوع عملکردی، فضایی و بصری در فضاهای شهری است. از دیدگاه زنان،

محیط‌های یکنواخت و فاقد جذابیت‌های متنوع، زمینه‌ساز کاهش حضورپذیری و سرزندگی خواهند بود. نبود تنوع در کاربری‌ها، طراحی یکنواخت مبلمان یا فضاهای تفریحی می‌تواند زنان را از حضور مستمر در این فضاها بازدارد. تمام مؤلفه‌های مربوط به شاخص دسترسی با میانگین بالا و معنادار ارزیابی شده‌اند. این امر نشان‌دهنده آن است که از دیدگاه بانوان، دسترسی فیزیکی به فضای شهری از نظر مسیرهای پیاده، شیب مناسب، راه‌یابی، و زمان دسترسی مطلوب بوده است. فضاهایی که به راحتی و بدون مانع قابل دسترسی هستند، از عوامل کلیدی افزایش استفاده زنان از فضاهای عمومی محسوب می‌شوند.

برخلاف شاخص دسترسی، تمام مؤلفه‌های مرتبط با حمل‌ونقل دارای میانگینی منفی و معنادار بودند. این اختلاف نشان می‌دهد که اگرچه خود مسیرهای دسترسی مناسب است، اما امکانات حمل‌ونقل عمومی یا اختصاصی به فضای شهری از نظر بانوان ناکارآمد تلقی شده است. احتمالاً ضعف در ایستگاه‌های حمل‌ونقل، فاصله زیاد از پارکینگ‌ها، یا نبود امکانات ویژه بانوان (مانند وسایل نقلیه امن، در دسترس و اختصاصی) در شکل‌گیری این دیدگاه مؤثر بوده‌اند. شاخص حضورپذیری نیز به‌طور کامل با میانگین‌هایی کمتر از عدد ۳ به ثبت رسید که نشان‌دهنده ارزیابی منفی پاسخ‌دهندگان از امکان ماندن، استفاده و تداوم حضور در فضا است. عواملی مانند راحتی فضا، امکانات فراغتی، سایه‌بان، یا آرامش محیط در شکل‌گیری این ادراک اهمیت دارند. این ضعف می‌تواند مانع از استفاده پایدار و طولانی‌مدت زنان از فضاهای عمومی شود.

شاخص سرزندگی که نشان‌دهنده میزان پویایی، تحرک، وجود فعالیت‌های متنوع و حضور دیگر افراد در فضا است، نیز نتایج کاملاً منفی را نشان داد. این شاخص بیانگر آن است که زنان فضای موردنظر را کسل‌کننده، بی‌روح و فاقد انرژی مثبت اجتماعی ادراک کرده‌اند. عدم سرزندگی می‌تواند به کاهش حس تعلق، امنیت روانی و انگیزه برای بازگشت به فضا منجر شود.

برخلاف برخی شاخص‌های منفی، شاخص مدیریت شهری در وضعیت بسیار مطلوب قرار داشت. تمام گویه‌ها دارای میانگینی بالا و از نظر آماری معنادار بودند. این امر حاکی از رضایت زنان از عملکرد مدیریت شهری در نگهداری، نظارت، تعمیرات، نظافت و رسیدگی به فضای شهری است. مدیریت مؤثر می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در ارتقای کیفیت فضا ایفا کند، حتی در شرایطی که طراحی فیزیکی ضعیف باشد.

در خصوص شاخص مشارکت و فرهنگ میتوان گفت که این شاخص نیز با میانگینی بالا و مثبت مورد تأیید پاسخ‌دهندگان قرار گرفت. زنان احساس کرده‌اند که در فضای موردنظر امکان تعامل اجتماعی، احساس هویت فرهنگی، و حس تعلق وجود دارد. وجود این شاخص به‌ویژه در فضاهای تک‌جنسیتی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که به ارتقای حس ایمنی، اعتماد و بازگشت مجدد زنان به فضا کمک می‌کند.

نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که شاخص بهداشت محیط از بالاترین میانگین‌ها در میان شاخص‌های بررسی شده برخوردار است. پاکیزگی، نظم، دفع مناسب زباله، و رسیدگی به عناصر بهداشتی، عواملی کلیدی در ایجاد رضایت زنان از فضا محسوب می‌شوند. فضای تمیز و بهداشتی، به‌ویژه برای استفاده‌های خانوادگی و طولانی‌مدت بانوان ضروری است.

در خصوص شاخص مبلمان شهری نیز چهار گویه دارای میانگین بالا و مطلوب بودند؛ اما گویه پنجم دارای میانگینی منفی بود که حاکی از نارضایتی خاصی در بخشی از مبلمان است. این مؤلفه ممکن است به ضعف در کیفیت یا کمبود نیمکت‌ها، سایه‌بان‌ها، روشنایی شبانه یا عناصر تعاملی مرتبط باشد. چنین جزئیاتی می‌تواند تأثیر زیادی بر تجربه کلی زنان از فضای شهری داشته باشد.

در مجموع، نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای حاکی از آن است که کیفیت فضای شهری برای زنان در شاخص‌هایی همچون مدیریت شهری، بهداشت محیط، مشارکت و فرهنگ، دسترسی و تا حدودی مبلمان شهری در وضعیت مطلوب و قابل قبول قرار دارد. اما در مقابل، شاخص‌هایی همچون طراحی کالبدی، تنوع فضایی، حمل‌ونقل عمومی، حضورپذیری و سرزندگی در وضعیت ضعیف و نیازمند بازنگری اساسی هستند. شاخص ایمنی و امنیت نیز وضعیتی دوگانه دارد و لازم است به‌صورت تفصیلی بررسی شود. بر این اساس می‌توان گفت که تقویت زیرساخت‌های کالبدی و عملکردی، بهبود طراحی فضا با رویکرد جنسیتی، و ایجاد فضاهای پویا و متنوع، می‌تواند نقش بسزایی در ارتقای رضایت‌مندی زنان از فضای شهری ایفا کند. در ادامه جدول شماره ۱ نمایان‌گر آنچه تاکنون ارائه شده می‌باشد.

جدول ۱: نتایج آزمون T و آلفای کرونباخ

One-Sample Test								
Cronbach's Alpha ^a	Test Value = 3						سوال	شاخص
	95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t		
	Upper	Lower						
۰,۷۰۶	-۰.۹۱	-۰.۹۴	-۰.۹۲۶	.۰۰۰	۹۵۸۶	-۱۲۵.۲۴۰	Q1	ایمنی
	۱.۲۹	۱.۲۷	۱.۲۸۱	.۰۰۰	۹۵۸۶	۲۷۰.۲۳۶	Q2	
	۱.۹۶	۱.۹۵	۱.۹۵۳	.۰۰۰	۹۵۸۶	۹۰۵.۰۹۰	Q3	
	-۲.۰۰	-۲.۰۰	-۱.۹۹۹	.۰۰۰	۹۵۸۶	-۶۳۹۰.۲۵۹	Q4	
	۱.۲۱	۱.۱۸	۱.۱۹۵	.۰۰۰	۹۵۸۶	۱۹۹.۳۹۵	Q5	

۰,۷۳۷	-99	-1.02	-1.005	.000	9586	-133.458	Q6	طراحی کالبدی
	-94	-96	-953	.000	9586	-193.457	Q7	
	-1.76	-1.77	-1.765	.000	9586	-407.302	Q8	
	.31	.28	.295	.000	9586	51.443	Q9	
	1.58	1.56	1.571	.000	9586	259.333	Q10	
۰,۷۱۱	1.94	1.93	1.933	.000	9586	757.152	Q11	تنوع کالبدی
	-1.91	-1.93	-1.920	.000	9586	-691.106	Q12	
	-2.00	-2.00	-1.999	.000	9586	-7246.173	Q13	
	-1.96	-1.96	-1.960	.000	9586	-976.086	Q14	
	-1.94	-1.95	-1.946	.000	9586	-844.367	Q15	
۰,۷۰۲	1.93	1.92	1.926	.000	9586	720.589	Q16	دسترسی
	1.20	1.19	1.194	.000	9586	295.630	Q17	
	-65	-67	-658	.000	9586	-135.735	Q18	
	-2.00	-2.00	-2.000	.000	9586	-9586.500	Q19	
	1.93	1.91	1.920	.000	9586	636.777	Q20	
۰,۷۳۲	1.94	1.93	1.933	.000	9586	757.152	Q21	حمل و نقل
	-1.09	-1.10	-1.094	.000	9586	-367.506	Q22	
	-1.97	-1.98	-1.973	.000	9586	-1196.089	Q23	
	1.94	1.93	1.940	.000	9586	797.877	Q24	
	-1.96	-1.96	-1.960	.000	9586	-977.352	Q25	
۰,۷۲۴	-1.89	-1.90	-1.892	.000	9586	-597.223	Q26	حضورپذیری
	-1.91	-1.92	-1.913	.000	9586	-664.594	Q27	
	-1.94	-1.94	-1.940	.000	9586	-799.258	Q28	
	-97	-98	-973	.000	9586	-291.936	Q29	

	-2.00	-2.00	-2.000	.000	9586	- 11069.537	Q30	
۰,۷۰۷	.07	.05	.060	.000	9586	20.469	Q31	سرزندگی
	-1.43	-1.45	-1.437	.000	9586	-283.668	Q32	
	-1.98	-1.98	-1.980	.000	9586	-1380.174	Q33	
	-2.00	-2.00	-2.000	.000	9586	-9586.500	Q34	
	1.83	1.82	1.826	.000	9586	417.049	Q35	
۰,۷۴۱	1.95	1.94	1.946	.000	9586	845.185	Q36	مدیریت شهری
	1.97	1.96	1.966	.000	9586	1066.971	Q37	
	.14	.12	.128	.000	9586	21.982	Q38	
	-2.00	-2.00	-2.000	.000	9586	- 11069.537	Q39	
	-2.00	-2.00	-2.000	.000	9586	- 11069.537	Q40	
۰,۷۵۸	1.97	1.96	1.967	.000	9586	1070.288	Q41	تعامل اجتماعی
	2.00	2.00	2.000	.000	9586	11069.537	Q42	
	1.89	1.87	1.879	.000	9586	531.927	Q43	
	1.10	1.08	1.087	.000	9586	255.264	Q44	
	1.97	1.96	1.967	.000	9586	1070.288	Q45	
۰,۷۵۶	1.96	1.95	1.953	.000	9586	905.090	Q46	بهداشت
	1.94	1.93	1.940	.000	9586	797.189	Q47	
	1.89	1.88	1.886	.000	9586	581.262	Q48	
	-2.00	-2.00	-2.000	.000	9586	- 11069.537	Q49	
	-2.00	-2.00	-2.000	.000	9586	-9586.500	Q50	
	-2.00	-2.00	-2.000	.000	9586	-9586.500	Q51	

۰,۷۸۱	-2.00	-2.00	-2.000	.000	9586	- 11069.537	Q52	مبلمان شهری
	-2.00	-2.00	-2.000	.000	9586	- 11069.537	Q53	
	-2.00	-2.00	-2.000	.000	9586	-9586.500	Q54	
	-1.61	-1.65	-1.626	.000	5132	-155.862	Q55	

در ادامه فرایند تحلیل داده های به دست آمده همانطور که در ذیل و در جدول شماره ۲ نشان داده شده است به منظور بررسی روایی سازه و کشف ساختار پنهان شاخص های مؤثر بر کیفیت فضاهای تک جنسیتی برای بانوان، از تحلیل عاملی اکتشافی (Exploratory Factor Analysis) استفاده شد. ابزار پژوهش شامل ۵۵ گویه در قالب ۱۱ شاخص اصلی بود که ابعاد مختلفی همچون ایمنی و امنیت، طراحی کالبدی، تنوع کالبدی، دسترسی، حمل و نقل، حضورپذیری، سرزندگی، مدیریت شهری، تعاملات اجتماعی، بهداشت محیط و مبلمان شهری را در بر می گرفت. پیش از انجام تحلیل عاملی، به منظور سنجش کفایت داده ها، از دو آزمون کلیدی استفاده شد: شاخص KMO و آزمون بارتلت. مقدار شاخص Kaiser-Meyer-Olkin (KMO) برابر با ۰,۷۲ به دست آمد که در بازه «قابل قبول» قرار دارد و نشان می دهد که حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی مناسب است. همچنین، آزمون Bartlett's Test of Sphericity با مقدار کای اسکوئر برابر با ۳۴۰۷,۳۱۶ و درجه آزادی ۱۴۸۵ در سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۱ معنادار بود. بنابراین، فرض صفر آزمون مبنی بر نبود همبستگی معنادار بین متغیرها رد گردید و ماتریس همبستگی داده ها برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شد. برای استخراج عوامل، از روش محوره های اصلی (Principal Axis Factoring) استفاده گردید. بر اساس معیار مقدار ویژه (Eigenvalue) بیشتر از یک، تعداد ۱۳ عامل استخراج شد که در مجموع توانستند ۳۰,۶ درصد از واریانس کل را تبیین نمایند. این میزان واریانس تبیین شده، علی رغم پیچیدگی های موجود در داده های تحقیق، نشان دهنده کفایت ساختار عاملی استخراج شده در تبیین ابعاد کیفی فضای شهری ویژه بانوان است.

جدول شماره ۲: نتایج تحلیل عاملی

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.720
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	3407.316
	df	1485
	Sig.	<.001

در زیر، برای بررسی روابط بین ۱۱ شاخص مؤثر بر کیفیت محیط شهری، شامل «ایمنی و امنیت»، «طراحی کالبدی»، «تنوع کالبدی»، «دسترسی»، «حمل و نقل»، «حضورپذیری»، «سرزندگی»، «مدیریت شهری»، «تعاملات اجتماعی»، «بهداشت» و «مبلمان شهری» از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد و یافته های کلیدی و تفسیر آنها همانطور که در جدول ۳ مشهود است تفسیر می‌گردد. ابتدا میانگین هر شاخص حساب شد و پس از به دست آمدن ۱۱ میانگین برای ۱۱ شاخص در این پژوهش نتایج زیر به دست آمد:

۱. رابطه مثبت بین طراحی کالبدی و تنوع کالبدی ضریب همبستگی: 0.207 ($p = 0.003$) * این رابطه مثبت و معنادار نشان می‌دهد که ارتقای طراحی کالبدی فضا (نظم، زیبایی، خوانایی) با افزایش تنوع کالبدی (مصالح، رنگ‌ها، سبک‌های معماری) همراه است. این یافته تأکیدی است بر این که طراحی متنوع می‌تواند جذابیت بصری و عملکردی فضاهای شهری را بهبود بخشد و احساس تعلق کاربران را افزایش دهد. ۲.

۲. رابطه منفی میان مدیریت شهری و حضورپذیری ضریب همبستگی: -0.160 ($p = 0.024$) * این یافته نشان می‌دهد که افزایش میزان کنترل یا محدودیت‌های ناشی از مدیریت شهری ممکن است مانعی برای حضور آزادانه و طولانی مدت شهروندان در فضاهای عمومی ایجاد کند. این موضوع لزوم بازنگری در سیاست‌های مدیریتی، به‌ویژه در فضاهای عمومی بانوان را گوشزد می‌کند.

۳. رابطه مثبت بین سرزندگی و بهداشت محیطی ضریب همبستگی: 0.150 ($p = 0.034$) * این ارتباط مثبت حاکی از آن است که فضاهایی که دارای فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی هستند، از بهداشت محیطی مطلوب‌تری نیز برخوردارند. این نتیجه می‌تواند مؤید این نکته باشد که افزایش سرزندگی محیطی، مسئولیت‌پذیری شهروندان و نظارت بهتر مدیریت شهری را در پی دارد. رابطه مثبت میان تعاملات اجتماعی و مبلمان شهری ضریب همبستگی: 0.174 ($p = 0.014$) * وجود مبلمان شهری مناسب و کاربرمحور (نیمکت، سایه‌بان، سطل زباله، تجهیزات پارکی و...)

بستر مناسبی برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی میان شهروندان فراهم می‌سازد. این یافته بر اهمیت نقش طراحی انسانی محور در تقویت پیوندهای اجتماعی تأکید می‌کند.

عدم رابطه معنادار میان ایمنی و حمل‌ونقل ضریب همبستگی: $0,074$ ($p = 0,297$) این عدم ارتباط ممکن است بیانگر این باشد که پاسخ‌دهندگان احساس امنیت را مستقل از وضعیت حمل‌ونقل عمومی درک کرده‌اند. عواملی مانند نورپردازی، حضور پلیس یا دوربین‌های نظارتی ممکن است تأثیر قوی‌تری در شکل‌گیری احساس امنیت داشته باشند تا کیفیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل.

جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن

Correlations													
			MEAN	MEAN	MEAN	MEAN	MEAN	MEAN	MEAN	MEAN	MEAN	MEAN	
			1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11
Spearman's rho	MEAN_1	Correlation Coefficient	1.000	.112	.207**	-.003	.074	-.069	-.094	.131	-.153*	.067	-.020
		Sig. (2-tailed)	.	.114	.003	.971	.297	.329	.184	.065	.030	.345	.778
		N	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200
	MEAN_2	Correlation Coefficient	.112	1.000	-.065	-.061	.186**	.044	-.001	.138	.122	.034	.065
		Sig. (2-tailed)	.114	.	.357	.393	.008	.532	.989	.052	.085	.638	.360
		N	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200
	MEAN_3	Correlation Coefficient	.207**	-.065	1.000	.027	-.011	.034	-.133	.083	-.160*	.122	.110
		Sig. (2-tailed)	.003	.357	.	.701	.879	.629	.061	.245	.024	.086	.122
		N	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200
	MEAN_4	Correlation Coefficient	-.003	-.061	.027	1.000	.093	.035	.082	-.064	.036	.063	.020
		Sig. (2-tailed)	.971	.393	.701	.	.189	.624	.246	.365	.608	.372	.780
		N	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200

MEAN_5	Correlation Coefficient	.074	.186**	-.011	.093	1.000	-.019	.099	.024	.124	-.135	-.087
	Sig. (2-tailed)	.297	.008	.879	.189	.	.787	.165	.734	.081	.057	.218
	N	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200
MEAN_6	Correlation Coefficient	-.069	.044	.034	.035	-.019	1.000	.086	-.152*	-.012	.150*	.033
	Sig. (2-tailed)	.329	.532	.629	.624	.787	.	.224	.031	.870	.034	.644
	N	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200
MEAN_7	Correlation Coefficient	-.094	-.001	-.133	.082	.099	.086	1.000	-.114	-.147*	-.054	-.110
	Sig. (2-tailed)	.184	.989	.061	.246	.165	.224	.	.109	.037	.451	.121
	N	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200
MEAN_8	Correlation Coefficient	.131	.138	.083	-.064	.024	-.152*	-.114	1.000	-.109	-.021	.100
	Sig. (2-tailed)	.065	.052	.245	.365	.734	.031	.109	.	.125	.768	.158
	N	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200
MEAN_9	Correlation Coefficient	-.153*	.122	-.160*	.036	.124	-.012	-.147*	-.109	1.000	.174*	.074
	Sig. (2-tailed)	.030	.085	.024	.608	.081	.870	.037	.125	.	.014	.301
	N	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200
MEAN_10	Correlation Coefficient	.067	.034	.122	.063	-.135	.150*	-.054	-.021	.174*	1.000	.037
	Sig. (2-tailed)	.345	.638	.086	.372	.057	.034	.451	.768	.014	.	.604
	N	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200
MEAN_11	Correlation Coefficient	-.020	.065	.110	.020	-.087	.033	-.110	.100	.074	.037	1.000
	Sig. (2-tailed)	.778	.360	.122	.780	.218	.644	.121	.158	.301	.604	.
	N	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200	200

۵. نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

در یک جمع بندی کلی با توجه به اینکه جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش متشکل از بانوان با سنین مختلف و البته بالای ۱۸ سال بود که در خیابان صنعت و محله متصل به آن ساکن و یا مشغول فعالیت بودند و با توجه به وضعیت نه چندان مناسب خیابان صنعت در خصوص بعمل آوردن نیازها و عدالت جنسیتی برای بانوان در خصوص شاخص های مطرح شده در این پژوهش و از طرف دیگر شکل گیری فعالیت های صنعتی و تولیدی و کارگاهی در جداره اصلی و حاشیه این خیابان، اینگونه به نظر میرسد که خیابان صنعت در شهر سبزوار به عنوان یک خیابان تک جنسیتی عنوان میگیرد و بانوان و خانم های ساکن در این محل به جز موارد ضروری از قبیل رساندن فرزندان به مدرسه و خرید مایحتاج روزانه، حاضر به حضور و تردد در این خیابان نمیباشند. چرا که فضاهای عمومی در شهرهایی که به هر نحوی شکل تک جنسیتی به خود میگیرند مانع از ایجاد میل و رقبت جهت حضور و تعامل در محیط برای سایرین میشود. از عمده دلایل عدم رقبت خانم ها برای حضور در این خیابان حضور گسترده آقایان در آن، حضور افراد ناشناس و غریبه در محل، پرخاش و نزاع های خیابانی در بین جوانان، عدم امنیت ذهنی به دلیل نحوه گویش و مسائلی از این قبیل می باشد. یافته های این پژوهش ضرورت اتخاذ رویکردهای یکپارچه در برنامه ریزی شهری را آشکار می سازد؛ رویکردی که در آن، روابط متقابل میان شاخص های مختلف به صورت نظام مند دیده شود و تصمیمات شهری بر مبنای شواهد و تحلیل های چندبعدی اتخاذ گردد.

جهت رفع مشکل تک جنسیتی بودن فضای شهری در بلوار صنعت سبزوار پیشنهادات زیر مطرح میشود:

- افزایش مشارکت زنان و تقویت حضور آنان به خصوص گروه دارای تحصیلات و جوان و با انگیزه در تصمیم گیری های شهری و مدیریت فضای عمومی
- طراحی فضاهای شهری متنوع و جذاب برای افزایش حضور پذیری، سرزندگی و رضایت کاربران در اولویت قرار گیرد. سیاست های مدیریتی شهری به گونه ای بازنگری شود که با تسهیل حضور زنان در فضاهای عمومی، از اعمال محدودیت های غیر ضروری و ایجاد فضاهای تک جنسیتی پرهیز شود
- شامل کردن نظرات و نیازهای زنان در فرآیند طراحی شهری و شناسایی این نیازها با کارگاه های آموزشی و جلسات مشورتی
- طراحی و توسعه فضاهای عمومی و مختلط که به هر دو جنس خدمات ارائه دهند و از تفکیک جلو گیری کنند

- ارتقاء کمی و کیفی مبلمان شهری با رویکرد کاربرمحور، به عنوان بستری برای تعاملات اجتماعی تقویت گردد
- بهبود روشنایی و امنیت و افزایش نورپردازی در معابر و دسترسی های درون محله ای جهت ارتقای امنیت
- طراحی فضا و فعالیت های ۲۴ ساعته جهت افزایش نظارت و ارتقای امنیت محله با استفاده از چشم ناظر
- بهبود دسترسی به حمل و نقل عمومی ایمن و راحت با توجه به نیاز خاص زنان
- ایمن سازی معابر و توجه به ارتقای ایمنی و راحتی استفاده از معابر برای زنان و کودکان

منابع

- نظم فر، حسین و وفاداری کمارعلیا، داود . (۱۴۰۴). سنجش تغییرات بازدید شهروندان از پارک های شهری در دوره های قبل از کرونا، کرونا و پسا کرونا. جغرافیا و روابط انسانی- ۲۱، (۴)، ۷، ۱۹۶۹. doi : ۱۰.۲۲۰۳۴/gahr.۲۰۲۳.۴۲۱۱۹۰.۳۸
- رهنما، محمدرحیم، شاددل، لیا، و خوارزمی، امیدعلی. (۱۳۹۷). برنامه ریزی شهری جهت ارتقای سلامت بانوان در مشهد با بهره گیری از ویتامین G. پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۶(۲)، ۳۸۵-۴۰۴. [SI D. ht t ps://si di r/paper/۲۶۱۲۱۱/fa](https://sid.ir/paper/261211/fa)
- زعیم دار، سولماز و زعیم دار، مژگان، ۱۳۹۵، ارزیابی فاکتورهای طراحی و برنامه ریزی شهر دوستدار زنان به عنوان شهروندان با حقوق شهروندی برابر، همایش بین المللی زنان و زندگی شهری، تهران، [ht t ps://ci vi l i ca.com/doc/۵۹۳۹۴۷](https://civili.ca.com/doc/593947)
- احمدی کلیجی، مهشید و اسدی، ایرج، ۱۳۹۶، استفاده از دیدگاه های جنسیتی در برنامه ریزی فضاهای عمومی شهری (برنامه ریزی حساس به جنسیت)، اولین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در علوم و مهندسی، مشهد، [ht t ps://ci vi l i ca.com/doc/۶۹۲۱۰۴](https://civili.ca.com/doc/692104)
- غلامحسینی، رحیم، ۱۳۹۳، بررسی رویکرد عدالت جنسیتی در ساخت فضاهای شهری، هفتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (جغرافیای سیاسی شهر)، تهران، [ht t ps://ci vi l i ca.com/doc/۳۷۱۲۳۸](https://civili.ca.com/doc/371238)
- رفعت جاه، مریم، شارع پور، محمود و رهبری، لادن . (۱۳۹۳). امنیت و جنسیت در فضاهای شهری: مطالعه کیفی حق زنان به شهر. فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی، ۵(۳۷)، ۱۲۹-۱۵۳.
- رضازاده، راضیه و محمدی، مریم . (۱۳۸۸). بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۱۱۴-۱۰۵، (۳۸)، ۱.

- اسدی محل چالی، مسعود و پیربابایی، محمدتقی و مقصودی، منیژه، ۱۳۹۸، تبیین فرهنگ جنسیتی فضا در گذرهای شهر اسلامی - ایرانی، ۱۴۹۲۲۳۲، <https://civili.ca.com/doc/1492232>
- زمانی دارانی، فاطمه و مقصودی، سوده، ۱۳۹۷، درآمدی بر بعد جنسیتی فضای شهری، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، تبریز، ۷۷۶۶۸۸، <https://civili.ca.com/doc/776688>
- فرزانه، فرانک . (۱۳۹۰). درآمدی بر تعامل مفاهیم جنسیت و فضا. ص ۹۹-۱۱۰.
- نقدی، اسداله، و دارابی، سارا. (۱۳۹۳). دسترسی زنان به فضاهای شهری (مطالعه موردی: زنان شهر ایلام). زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، ۶(۴)، ۶۱-۷۰. [SI D. https://sdi.rpaper/160579/fa](https://sdi.rpaper/160579/fa)
- سادات سیادت، فریال، و ماجدی، حمید. (۱۳۹۴). رهیافتی انتقادی بر تبارشناسی جنسیت زدگی شهر در رویکردهای فمینیستی با تاکید بر ارتقاء جایگاه زنان. مدیریت شهری، ۱۴(۴۱)، ۲۹-۴۸. [SID. https://sdi.rpaper/92120/fa](https://sdi.rpaper/92120/fa)
- بیگ بابایی، بشیر و توفیقی، بهزاد، ۱۳۹۷، فضاهای شهری و نابرابری های جنسیتی در تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: شهر میاندوآب، کوی زرنندی)، کنفرانس بین المللی امنیت، پیشرفت و توسعه پایدار مناطق مرزی، سرزمینی و کلانشهرها، راهکارها و چالش ها با محوریت پدافند غیر عامل و مدیریت بحران، تهران، ۸۹۰۷۳۰، <https://civili.ca.com/doc/890730>
- احمدی کلیجی، مهشید و اسدی، ایرج، ۱۳۹۶، گسترش دامنه ی جنسیت در برنامه ریزی شهری؛ قرآیندی جهت کاهش محدودیت های زنان در استفاده از فضاهای شهری، کنفرانس بین المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر، تهران، ۷۰۹۹۶۸، <https://civili.ca.com/doc/709968>
- عزیزی، محمد مهدی و پیرکار، رضا . (۱۴۰۲). نقش فضاهای عمومی درون محله ای در ارتقای مشارکت اجتماعی مطالعه موردی: محله کوی نصر تهران. ص ۷۹-۹۸. [doi : 10.48308/sof](https://civili.ca.com/doc/1048308/sof)
- صمدی، رضا ، خاکپور، براتعلی ، رهنما، محمدرحیم و خوارزمی، امیدعلی . (۱۴۰۰). برنامه ریزی و آمایش راهبردهای تحقق شهر شبانه در کلان شهر مشهد با تأکید بر شاخص های سرزندگی شهری. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۱۱(۴۱)، ۱-۱۱. [doi : 10.30488/gps](https://civili.ca.com/doc/1030488/gps)
- پورحسین روشن، حمید و پورجعفر، محمدرضا و صارمی، حمیدرضا، ۱۴۰۰، تبیین و بازتولید قدرت های موثر بر افزایش کیفیت حضورپذیری بانوان با رویکرد ایرانی -اسلامی (نمونه موردی: فضای شهری پیرامون بقیع متبرکه)، ۱۵، <https://civili.ca.com/doc/1187015>

- آراسته، مجتبی، پورحسن زاده، محمدحسین، و علیزاده، رضا. (۱۳۹۹). مطلوبیت سنجی امنیت فضاهای عمومی شهری جهت حضورپذیری زنان (نمونه موردی: منطقه یک شهر شیراز). مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۱(۶)، ۹۷-۱۲۲. [SID. https://sid.ir/paper/955899/fa](https://sid.ir/paper/955899/fa)
- امیری، سید نورالدین، رستمی، محمدحسین و دانایی، سمانه. (۱۴۰۱). ارزیابی عوامل موثر بر حس تعلق شهروندان به فضاهای شهری مطالعه موردی: میدان انقلاب بندر بوشهر. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۱۰(۲)، ۱۴۹-۱۶۵. [doi: 10.22059/jurbangeo.2022.337599.1653166-149](https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2022.337599.1653166-149)
- اسدپور، هاجر، ریاحی دهکردی، علی، & اسدپور، علی. (۱۳۹۹). تحلیل عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی اجتماعی شهروندان در فضاهای شهری معاصر (نمونه مورد مطالعه: میدان فرهنگ شهر یزد). مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۷(۲۴)، ۷-۱۸۵. [doi: 10.22080/usfs.2020.17010.185232-7](https://doi.org/10.22080/usfs.2020.17010.185232-7)
- صالحی، زهرا، و حسینی، سیدهادی. (۱۴۰۰). بررسی عوامل محیطی موثر بر احساس امنیت زنان در شهر سبزوار. زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۱۲(۳) (مسلسل ۴۷)، ۲۰۵-۲۲۲. [SID. https://sid.ir/paper/100237/fa](https://sid.ir/paper/100237/fa)
- ملک حسینی، عباس، روستائی شاهرودی، مهدیه و گنج‌ه، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر امنیت اجتماعی زنان در شهر ملایر. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۸(۳۱)، ۲۵۵-۲۷۵.
- دانشوری نسب، عبدالحسین. (۱۴۰۰). واکاوی کیفی محدودیت‌های نشاط اجتماعی زنان در شهر کرمان. آموزش بهداشت و ارتقای سلامت ایران، ۹(۳)، ۳۱۱-۳۲۲. [SID. https://sid.ir/paper/966831/fa](https://sid.ir/paper/966831/fa)
- شارع پور، محمود، تقوی، سیده زینب، و سلیمانی بشلی، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت زنان در شهر آمل. زن و مطالعات خانواده، ۵(۱۷)، ۹۱-۱۰۶. [SID. https://sid.ir/paper/206359/fa](https://sid.ir/paper/206359/fa)
- شریعتی مزینانی، سعید و فروغ زاده، سیمین. (۱۳۹۶). فضاهای عمومی و امنیت زنان در شهر مشهد. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۶(۴)، ۷۱-۱۰۰. [doi: 10.22108/ssoss.2018.100985.100790-71](https://doi.org/10.22108/ssoss.2018.100985.100790-71)
- کاظمی، م. (۱۳۸۸). "رویکرد تحلیلی به مقوله جنسیت و تاثیر آن در کیفیت فضا"، هویت شهر، سال ۸، شماره ۴
- قشقایی، رضا، موحد، خسرو و محمدزاده، حجتاله. (۱۳۹۵). ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری (مطالعه موردی: ساحل بوشهر). نشریه پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۴(۲)، ۲۸۲-۲۶۱.

- فرهمندیان، ح. (۱۳۸۷) "مشور اروپایی زنان در شهر"، جستارهای شهرسازی، سال ۱، شماره ۲۷ ۲۴
- اکبری، م. تاجدار، و. (۱۳۸۷) "زنان و حکمروایی خوب شهر"، جستارهای شهرسازی، سال ۷، شماره ۵۲ ۵۲
- تمدن، ر. (۱۳۸۷) "زنان و فضا های شهری"، جستار های شهرسازی، سال ۷، شماره ۵۲ ۵۲
- رضازاده، ر. محمدی، م. (۱۳۸۷) "طراحی فضای محله ای با تاکید بر رویکرد عدالت جنسیتی و چارچوب اصول اخلاقی مراقبتی"، فصلنامه دانشگاه هنر، سال ۸۷، شماره ۱
- نورانی، س. نورانی، ف. پورمحمدی، م. (۱۳۹۱) "شهر دوستدار زنان مطالعه موردی مرکز شهر اردبیل"، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۹.
- شکیبایی، ف. مجتبی، ر. (۱۳۹۲) "ارزیابی تطبیقی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری با رویکرد جنسیت مبنا"، همایش معماری و شهرسازی در گذر زمان، ۳۰ اردیبهشت، قزوین، ایران.
- کارمونا، م. دی ماگلس، ک. هاموند، ل. (۱۳۹۶) "فضای عمومی ابعاد مدیریتی" ترجمه ایرج اسدی و مهدی عباس زاده، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، سمت، چاپ اول.
- حبیبی، م. علیپور شجاعی، ف. (۱۳۹۴) "بررسی تطبیقی فضاهای عمومی ویژه زنان با فضاهای عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان"، هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، دوره ۲۱، شماره ۱.
- مدنی پور، علی (۱۳۷۹) "طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیند اجتماعی و مکانی"، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری
- علینژاد، سهیلا، سرائی، حسن (۱۳۸۶) "زن در عرصه عمومی، مطالعه ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، ص ۱۴۹-۱۲۳.
- ضابطیان، الهام و همکاران (۱۳۸۷) "درآمدی بر فضاهای امن شهری با رویکرد جنسیتی". جستارهای شهرسازی، شماره ۲۵-۲۴، ص ۵۵-۴۸.
- خلیلی، احمد، حیدرزاده، احسان و سعید صداقتنیا (۱۳۹۳). سنجش اصول رویکرد نوشهرسازی و ارائه راهکارهای مداخله در مقیاس واحدهای همسایگی (نمونه موردی: محله شهرک ساحلی بابلسر). نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۷ (۱۳)، ۲۹۲.

- Gargiulo, I., Garcia, X., Benages-Albert, M., Martinez, J., Pfeffer, K., & Vall-
corridor: Developing a safety map based on qualitative GIS. *Landscape and Urban Planning*, 198, 1-13.
- Tandogan, O., & Ilhan, B. S. (2016). Fear of crime in public spaces: From the view of women living in cities. *Procedia engineering*, 161, 2011-2018. Retrieved from: doi: 10.1016/j.proeng.2016. 795.
- Vaiou, D., Lykogianni, R. (2006). Women, Neighborhoods And Everyday Life. *Urban Studies*, Number 4; 731-743. doi.org/10.1080/00420980600597434.
- Fenster, T. (2005), Identity Issues and Local Governance: Women's Everyday Life in the City, *Social Identities*, 11:1, 23-39.
- Beebejaun, Y., (2017). Gender, urban space, and the right to everyday life. *Journal of Urban Affairs*, 39(3), 323-334.
- Lynch, K. (1981). *A theory of good city form*. Cambridge, MA: The MIT Press
- Jacobs, J. (1961/2007). *The death and life of great American cities*. Vintage Books.
- Appleyard, D., Gerson, M. S., & Lintell, M. (1981). *Livable Streets*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Boyle, J. Findlay, C. Leslie, F. (2004) An investigation into women's perception of fear and the design of the urban environment. The research centre for inclusive access to outdoor environments, In www.openspace.eca.ac.uk.
- Puum, Institute, Washington, C.
- Columbia. <http://hdl.handle.net/2429/59656>
- Gargiulo, I., Garcia, X., Benages-Albert, M., Martinez, J., Pfeffer, K., Vall-
corridor. Developing a safety map based on qualitative GIS.
- *Crime Prevention & Community Safety*, 19, 163-167. <https://doi.org/10.1057/s41300-017-0024-5>
- *and The* *Journal of Geographical Systems*, 13(2), 127-145. <https://doi.org/10.1007/s10109-010-0112-x>

- Marshal Gordon(Ed), (7991 ,)A Dictionary of Sociology ,Oxford university press.
- Irschik, E. , Kail, E. , Klimmer-Pölleritzer, A. , Nuss, A. , Puscher, G. , Schönfeld, M. and Winkler, A (2013) . Manual for Gender Mainstreaming in Urban Planning and Urban Development, Urban.
- Sepahvand R, Jafari S. The effect of feeling of social security on capital and social vitality. *Social Capital Management*.2016;3(4):541-521.
- Ghaffari Gh, Shirali E. The study and prevalence of social vitality among citizens and its relationship with the feeling of social security. "*Journal of Social Security Studies*.2016;45:57-33
- Karimi F, Abdullahi AA. Creating sidewalks to promote vitality and vitality in urban spaces, *Spatial Planning Quarterly*.2017;7(1):100-81.
- Mushfeghi S, Mousavi SA. Investigating the consequences of gender discrimination in the workplace and how it affects employee life satisfaction. *International Conference on Humanities and Behavioral Studies*, Tehran. 2014.
- Sarukhani B, Yousri M. Reproduction of unequal sexuality in the family: A study of the adaptation of working and housewives in Ilam. *Social Research*. 2008; 1(1):61-47
- Lewis, D. A., & Maxfield, M. G. (1980). Fear in the Neighborhoods: An Investigation of the Impact of Crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 17(2), 160-189. <https://doi.org/10.1177/002242788001700203>
- Khavari C, Sajjadi H, Habibpour K, Talebi M. The relationship between the dimensions of gender inequality and mental health. *Social Welfare Quarterly*. 2013;48:13-113.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی